

# اگر ۵۰ میلیارد تومان داشته باشید...

مرتضی مجدفر

\* موافقید با ۵۰ میلیارد تومانی که دست‌مان باقی‌مانده است، به تربیت بدنی دو استان اصفهان و آذربایجان شرقی کمک کنیم که ساخت‌وساز ورزشگاه‌های نقش جهان اصفهان و سپهند تبریز را تمام کنند تا بالاخره بعد از مجموعه‌ی آزادی، دو ورزشگاه بزرگ در حد و اندازهای بین‌المللی به مجموعه‌های ورزشی کشورمان افزوده شود؟

\* «دست نگه دارید». این صدای دوستان بهزیستی و شاید هم کمیته‌ی امداد است. آن‌ها می‌گویند: «ما با همین ۵۰ میلیارد تومان می‌توانیم به ۵۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار وامی معادل یک میلیون تومان بدهیم. به خدا راه دوری نمی‌رود. تازه برخلاف مقررات بانکی تصویب‌شده و اجراشده، با دو سه تا ضامن معتبر، برگشت همین یک میلیون تومان‌ها را تضمین می‌کنیم.»

\* در این میان، وزارت بهداشتی‌ها (البته حتماً مرا خواهند بخشید که اسم طول و درازشان را مختصر کردم) می‌گویند: «موج سوم ایدز در راه است. اگر می‌خواهید جوان‌ها را از ابتلا به این بیماری هشدار دهیم، باید کار فرهنگی انجام دهیم. اگر در ایام حج در فامیل و دوست و آشنا، مسافر بازگشته از مکه و مدینه داشته باشید، حتماً از قیمت بنر پلاستیکی و چاپ متن روی آن خبر دارید. در کشوری به این بزرگی اگر لااقل یک میلیون بنر هشداردهنده از در و دیوار خیابان‌ها و وسط اتوبان‌ها و بلوارها آویزان کنیم و چاپ و آماده‌سازی هر بنر ۵۰ هزار تومان قیمت داشته باشد، مشکل فرهنگی ما در این زمینه از لحاظ تأمین بودجه حل می‌شود.»

\* از قرارداد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم درآمده است: «ما امسال اصلاً نتوانستیم به مدرسه‌های کشور در زمینه‌ی تجهیز کتابخانه‌ها کمک کنیم. وضع‌مان آن قدر خراب است که در چند ماه گذشته به‌رغم تشکیل کمیته‌ی خرید کتاب و تدوین صورت‌جلسه‌های مربوط، حتی یک جلد کتاب هم برای اهدا به مدارس و کتابخانه‌های مساجد نخریده‌ایم. این پول را بدهید به ما، قول می‌دهیم به هر کدام از ۱۵۰ هزار مدرسه‌ی کشور، کتاب‌هایی به ارزش ۶۶۰ هزار تومان بفرستیم. خودتان می‌دانید که با این قیمت وانفسایی که کاغذ پیدا کرده است و قیمت هر کتاب سر به فلک کشیده، ما فقط می‌توانیم به هر مدرسه ۱۶۵ جلد کتاب با میانگین قیمت هر جلد چهار هزار تومان هدیه کنیم. تازه اگر بخواهیم دو سه جلد از کتاب‌هایمان

اگر تیر این یادداشت کمی غافلگیرکننده است، تعجب نکنید. نمی‌خواهم مثل معلمان انشای سال‌های نه چندان دور از آرزوهای بچه‌ها سردرپیورم. حتماً یادتان نرفته است که تا همین چند سال پیش، معلمان انشا برای این که ببینند خواسته‌ها و تمنیات دانش‌آموزان چیست، به آن‌ها می‌گفتند: «اگر یک میلیون تومان پول داشتید، چه می‌کردید؟» خود من در سال ۱۳۶۱ که نخستین سال‌های معلمی‌ام بود و با حقوق دوهزار و دو سیست و بیست‌وپنج تومانی روزگار می‌گذراندم، در یکی از تک‌زنگ‌های انشا که به تدریس پنج ساعتی علوم تجربی‌ام در سال اول راهنمایی چسبیده بود، از بچه‌هایی در جنوب شهر تهران پرسیدم: «اگر ۱۰۰ هزار تومان داشتید، چه می‌کردید؟» باور کنید با همین یک موضوع انشا، توانستم از مشکلات ریز و درشت بچه‌ها آگاهی یابم. دانش‌آموزی آرزو کرده بود فقط نصف این پول را می‌داشت تا پدر مریضش را عمل کند و دیگری امیدوار بود این پول هرچه سریع‌تر به دستش برسد تا از آلونکی که در آن زندگی می‌کنند، نجات پیدا کنند و البته آن دیگری به دنبال این بود که با این پول موتور ۱۰۰۰ بخرد، خواهرش را عروس کند، برای مادر بزرگ پیرش عینک بخرد و یک عالمه شکلات و خوردنی تهیه کند تا بتواند همه‌ی آن‌ها را بین بچه‌های محل‌شان تقسیم کند. البته تحقق این همه آرزو با ۱۰۰ هزار تومان در سال ۶۱ غیرممکن نبود. آن سال‌ها ما در مدرسه، به کمک این انشاها، در حد امکاناتی که توانستیم فراهم کنیم، به یاری بچه‌ها شتافتیم.

درست است که از آن سال تا به امروز، رشد تورم و افزایش قیمت‌ها، همه‌چیز از جمله موضوعات انشا را متحول کرده است ولی هنوز ندیده‌ام معلمی بگوید: «اگر ۵۰ میلیارد تومان پول داشته باشید، چه می‌کنید؟» پس همان‌طور که اول گفتم، بیایید دور انشا و موضوع انشا را خط بکشیم و دنبال محل‌های دیگری برای هزینه‌کرد این رقم باشیم. برای مثال حوزه‌ها، بخش‌ها و محل‌های دیگری را که می‌توان به یاد آورد، در زیر می‌آورم:

\* با اختصاص این رقم به وسیله‌ی یک یا چند خیر برای مدرسه‌سازی چطورید؟ راستی با ۵۰ میلیارد تومان، چند تا مدرسه و با چه امکاناتی می‌توان ساخت؟ پنج تا؟ ۱۰ تا؟ چند تا؟ البته شاید بشود با این رقم، یک سوم ۳۵۰ مدرسه‌ی تخریب‌شده در زلزله‌ی مردادماه ۹۱ آذربایجان را بازسازی کرد.





فرهنگ‌نامه باشد که وضع‌مان او بی‌بلاست.»

\* ستاد حمایت از واردکنندگان کالا هم به جرگه‌ی متقاضیان دریافت این ۵۰ میلیارد تومان پیوسته است: «این رقم را بدهید به ما. با ترفندهایی آن را به ارز مرجع و ارز ستاد تنظیم نرخ بازار تبدیل می‌کنیم. کالای بنجل چینی هم تا دل‌تان بخواهد، هست. تازه این ۵۰ میلیارد وقتی به دلار یا یورو تبدیل شود، آن‌چنان هم رقم قابل‌داری نیست که بشود سرش چک‌وچانه زد.»

\* نیروی انتظامی هیچ درخواستی برای اختصاص این ۵۰ میلیارد تومان ندارد. ولی یکی از دوستان سابق نیروی انتظامی که الان در شهرداری تهران کار می‌کند، می‌گوید: «حتماً یادتان نرفته که در سال‌های نه‌چندان دور نیروی انتظامی از لحاظ خودرو در چه وضعیتی قرار داشت. پلیس، اتومبیل پیکان خودش را که باتری درست‌ودرمانی نداشت، در سرازیری می‌انداخت تا پس از روشن شدن، به دنبال سارقان و مزاحمان امنیت جامعه برود. آن سال‌ها با خرید اتومبیل‌های الگاس خارجی، نقلیه پلیس نونوار شد و از لحاظ اجتماعی هم ارج و قربی پیدا کرد. اکنون سال‌ها از آن موقع گذشته است. بیایید با اختصاص این ۵۰ میلیارد تومان، اجازه دهیم پلیس ۱۰۰ تا خودروی خارجی درجه یک وارد کند.»

این دوست در ادامه می‌گوید: «اگر این پول را به نیروی انتظامی نمی‌دهید، لاقلاً به شهرداری تهران بدهید تا با خرید چند واگن و لوکوموتیو مترو، خطوطی از متروی تهران را که به دلیل نبود قطار، هنوز به راه نیفتاده‌اند، راه‌اندازی کند.»

اگر بخواهیم فهرست دیگر درخواست‌ها را مرور کنیم، شاید نگارش این یادداشت به درازا بکشد و مدعیان جدیدتری نیز پیدا شوند که متقاضی دریافت این ۵۰ میلیارد تومان هستند. ولی واقعیت ماجرا این است که این پول صاحب داشت و در یکی از ردیف‌های بودجه‌ی سال ۹۱ وزارت آموزش و پرورش محلی برای هزینه‌کرد آن پیش‌بینی شده بود.

ممکن است بگویید خوش به حال آموزش و پرورش که بدون چک‌وچانه، در سال ۹۱ این ۵۰ میلیارد تومان را برد خانه. ولی این رقم برای آن کاری که پیش‌بینی شده بود، آن قدر کم بود که مسئولان آموزش و پرورش مانده بودند با آن چه کار کنند! بگذارید قبل از این که محل هزینه‌کرد این رقم را برایتان بگویم، مثالی بزنم که یکی از دوستان به نقل از پدرش تعریف می‌کرد. او می‌گفت: «وقتی لیسانس گرفتم و به دنبال شغلی بودم تا گذران زندگی کنم، پدرم گفت: حواست باشد معلم نشوی. وزارتخانه‌ای که معلمان عضو آن هستند، دست‌کم یک میلیون نفر ابواب جمعی دارد. اگر در مجلس تصویب شود که به حقوق هر یک از حقوق‌بگیران دولت یک تومان اضافه کنند، این وزارتخانه، آخرین و یا جزو آخرین وزارتخانه‌هایی خواهد بود که این یک تومانی را به حقوقت اضافه می‌کند، چون یک میلیون عضو دارد و باید یک میلیون تومان بودجه‌ی اضافی داشته باشد یا از جایی جور کند تا بتواند حقوق افزوده‌شده را به کارکنانش بدهد. ولی برای مثال وزارت مسکن و خیلی از وزارتخانه‌های دیگر در کل کشور چهار پنج هزار نفر بیشتر پرسنل ندارند و افزودن چهار پنج هزار تومان در کل به حقوق کارمندان، برای آن‌ها کار سختی نیست.» این دوست محترم می‌گفت: «هشدار پدر باعث شد من به استخدام آموزش و پرورش درنیایم.» خب، اگر رقم ۵۰ میلیارد تومان در ظاهر نسبتاً درست را

به یک میلیون معلم شاغل در آموزش و پرورش تقسیم کنیم، به هر نفر به طور دقیق مبلغی معادل ۵۰ هزار تومان می‌رسد و البته قرار نیست این رقم به حقوق آنان افزوده شود، بلکه محل هزینه‌کرد آن جداست.

علم در حال تغییر است. برنامه‌ها و کتاب‌های درسی مرتب عوض می‌شود. آموزش و پرورش در حال پوست‌اندازی است و اسناد تحولی متعددی برای ایجاد تغییر، در این وزارتخانه تصویب شده و در شرف اجرا قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر شعار «معلم امروز، با اطلاعات دیروز، نمی‌تواند دانش آموز فردا را تربیت کند.» گوش فلک را کر کرده و همه‌جا را پر ساخته است. حالا در این گیروگرفت، تقسیم‌کنندگان بودجه‌ی کشور، خاصه‌خرجی کردند و اجازه دادند آموزش و پرورش برای بهسازی دانش، روش‌ها و مهارت‌های هر یک از معلمان خود در سالی که گذشت «پنجاه هزار تومان» هزینه کند. درست است که ۵۰ میلیارد تومان عدد نسبتاً بزرگی است، ولی با پنجاه هزار تومان شما حتی نمی‌توانید کودک پیش‌دستانی خودتان را در یک کلاس نصفه‌ونیمه‌ی بیرون از کودکانستان با مدرسی ضعیف و امکاناتی ضعیف‌تر ثبت‌نام کنید.

طبق ضوابط جاری آموزش و پرورش، هر یک از معلمان برای ارتقای سالاانه‌ی خود در سامانه‌ی اداری، نیاز به گذراندن ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت کلاس آموزش ضمن خدمت حضوری یا غیرحضوری هستند. برای این کلاس‌ها نیاز به مکان، مدرس، منابع و تجهیزات، هزینه‌ی رفت‌وآمد و پذیرایی، هزینه‌ی امور اداری و... داریم. ممکن است برخی از معلمان، پیشتر برخی از این دوره‌ها را گذرانده باشند؛ بسیار خوب ولی چون کتاب‌ها و برنامه‌ها عوض شده‌اند و آشنایی با اسناد تحولی هم نیاز به دوره و کلاس دارد، با ۵۰ هزار تومان عملاً هیچ کار کیفی و خوبی نمی‌توان انجام داد. برگزاری دوره‌هایی بین ۵۰ تا ۱۰۰ ساعت در عرض یک سال برای یک میلیون معلم عدد کمی نیست، ولی ۵۰ میلیارد تومان برای این منظور عدد بسیار کوچکی است. البته اگر قرار بود این دوره‌ها برای کارکنان فلان وزارتخانه‌ی چهارپنجاه هزار نفری اجرا شود، بودجه‌ی هنگفتی در اختیار داشتیم که شاید در آخر هم چند میلیارد تومانی از آن اضافه می‌آمد. از آن طرف، خبر نداریم که آیا واقعاً همه‌ی ۵۰ میلیارد تومان تخصیص اعتبار یافت یا نه. اگر همه‌ی این رقم هم پرداخت می‌شد، باز هم نمی‌شد کاری کیفی انجام داد و باز آموزش و پرورش مجبور بود کلاس‌ها و دوره‌هایی را به شکل صوری و ظاهری و با استفاده از مدرسانی که اندکی بیشتر یا حتی برابر معلمان، حق‌الزحمه می‌گیرند و دانش و مهارت آنان اغلب همپای شرکت‌کنندگان در کلاس‌هاست، برگزار کند و تحول و نوخواهی در این نهاد بزرگ، صرفاً از روی اسناد مصوب بالادستی به سوی کلاس‌های درس و اندیشه، منش و رفتار معلمان به پرواز درنیاید.

سال ۹۱ که گذشت ولی اگر می‌خواهیم آموزش و پرورش پویا، تحول‌خواه، در مسیر تغییر و کیفی داشته باشیم؛ باید ستادی تشکیل دهیم تا ۵۰ میلیارد تومان‌های نهادها و سازمان‌های دیگر را دریافت، جمع‌آوری و به سوی نهاد انسان‌ساز تعلیم و تربیت سوق دهد. باور کنید برگزاری کلاس و به‌روز کردن دانش، توانش و بینش معلمان، آن هم در جامعه‌ای که یک میلیون عضو دارد، کار سختی است و ۵۰ میلیارد تومان برای این امر، پول خردی بیش نیست.



مریم رجایی

آموزگار، سمیرم

# نمکدان‌های پیش‌کشی

جای پای بهار در همه‌جای روستا به چشم می‌خورد. روستا زیباتر از قبل شده بود. مدرسه‌ی ما نیز در آن روز سبز و دوست‌داشتنی‌تر از همیشه به نظر می‌رسید. وارد کلاس که شدم بچه‌ها برآیم دست زدند و شعر خواندند. از آن‌ها تشکر کردم و خواهش کردم که بنشینند. سروصدایشان که فروکش کرد، هر کدام به نوبت بلند شدند و گفتند: «خانم، روزتان مبارک!» بعد هم بعضی از آن‌ها که هدایایی آماده کرده بودند، آوردند و گذاشتند روی میز. قبلاً به آن‌ها گفته بودم که مجبور نیستند هدیه بیاورند و خود و والدینشان را به زحمت بیندازند. با همه‌ی این‌ها تعدادی گل، قاب‌عکس و لوازم خانگی روی میز جمع شد. در میان هدیه‌ها، چیزی که بیش از همه نظرم را جلب کرد، هدیه‌ی مریم بود. چهار نمکدان چینی که داخل یک کیسه فریزر گذاشته شده بود و عجیب اینکه کمی نمک هم داخل کیسه وجود داشت. نگاهی به مریم کردم؛ با بغل‌دستی‌اش مشغول حرف زدن بود. دانش‌آموز منظم و متوسطی بود و علاقه‌ی زیادی هم به من داشت. تصمیم گرفتم زنگ تفریح بفرستم دنبال مادرش و در این باره با او صحبت کنم. با خون‌سردی تمام، ضمن تشکر از بچه‌ها، درس را شروع کردم.

زنگ که خورد، به کمک نماینده‌ی کلاس، هدایا را جمع کردم و به دفتر مدرسه آوردم. با ناباوری دیدم که مادر مریم آنجا نشسته است. با او احوال‌پرسی کردم و گفتم: «تفاقی با شما کار داشتم.» او گفت: «من نیز به خاطر موضوعی مزاحمتان شده‌ام.» و ادامه داد: «راستش از دیروز تا الان چند تا نمکدان از داخل آشپزخانه‌مان غیبشان زده است. کسی هم به خانه‌ی ما نیامده است. مریم هم بچه‌ی بزرگ ماست. برادرش فقط چهار سال دارد. احتمال می‌دهم که کار، کار مریم باشد اما هرچه از او می‌پرسم، می‌گوید نمی‌دانم. می‌خواستم شما با او صحبت کنید. نگرانم. آخر او این کاره نیست.» خندیدم و گفتم: «چه جالب!» او با تعجب پرسید: «خانم، چه چیزی جالب است؟» گفتم: «آنجا که بفهمی نمکدان‌ها پیش معلمش است.» بعد نمکدان‌ها را آوردم و نشانش دادم. زن بیچاره که به کلی گیج شده بود، نمکدان‌ها را برداشت و نگاهشان کرد و گفت: «بله، همین هاست. ولی دست شما چه می‌کند؟» با خنده گفتم: «مریم خانم مثلاً خواسته روز معلم را به این صورت به من تبریک بگوید.» سرش را به زیر انداخت و آهسته گفت: «وای

خانم! این دختره پاک آبرومان را برد.» و بلافاصله گفت: «بی‌زحمت می‌شود صدایش کنید تا با او حرف بزنم؟»

گفتم: «به شرطی که دعوايش نکنید!» گفت: «چشم.» فرستادم دنبال مریم و کمی بعد آمد. سرش پایین

بود. انگار که خجالت می‌کشید. مادرش با تندی گفت:

«آخر دختر، می‌گفتی هدیه‌ی مناسبی برای خانم

تهیه می‌کردیم، نه نمکدان‌هایی که در دست

خودمان بوده است. چرا چیزی

نگفتی؟» مریم هم‌چنان

ساکت بود و با گوشه‌ی

مقنع‌اش بازی می‌کرد.

مادرش با عصبانیت

بیشتر اصرار کرد که او

جواب بدهد. مریم باز هم

سکوت کرد اما ناگهان

برگشت و رو به مادرش

کرد و به تندی گفت:

«گفتم! گفتم! ولی هم

شما، هم بابا گفتید،

معلم‌ها وضعشان

خوب است؛ لازم

نیست!» مادر مریم

جاخورد. رنگش پریده

بود و مانده بود به دخترش

چه بگوید. نگاهی به من

کرد. من لیخند زدم؛

دستم را روی شانهاش

گذاشتم و او سرش را

پایین انداخت.



تصویرگر: رضا مکتبی

یادداشت‌هایی در زمینه‌ی ارتقای کیفیت تدریس و ارزش‌یابی

مبتنی بر اسناد تحولی وزارت آموزش و پرورش

دکتر عظیم محبی

# طرح و چارچوب فرایند یاددهی-یادگیری مبتنی بر اسناد تحولی

بخش چهارم

اشاره

در بخش قبل بیان شد که رویکرد کلی فرایند یاددهی-یادگیری باید از راهبرد زمینه محور (اکتشافی) شروع شود و با راهبرد تعاملی ادامه یابد و در نهایت به راهبرد انتقالی ختم شود. حال سؤال اساسی این است که این فرایند در یک طرح و چارچوب کلی تدریس چه گونه قابلیت اجرایی پیدا می‌کند. در این بخش این موضوع توضیح داده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سند تحول، برنامه‌ی درسی ملی، فرآیند یاددهی-یادگیری.

## ۱. تعیین اهداف و انتظارات یادگیری

برای تدریس در یک جلسه، با مشخص بودن عنوان برنامه‌ی درسی (کتاب و...) آن‌چه بیش از همه اهمیت دارد این است که اهداف یادگیری درس مورد نظر کدام‌اند. معمولاً در راهنمای تدریس هر یک از کتاب‌ها یا اول هر درس اهداف، از قبل نوشته شده است. لذا همان اهداف مبنای یادگیری درس مورد نظر خواهد بود. این هدف غالباً همان اهداف آموزش یا یادگیری هستند که به صورت کلی و جزئی نوشته می‌شوند. این اهداف باید در دست‌یابی دانش‌آموزان به اهداف غایی کمک کند. این هدف‌ها براساس نظریه‌ی بلوم (سیف، ۱۳۸۹) در سه حیطه‌ی شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی نوشته می‌شوند. سطوح هر یک از اهداف عبارت‌اند از:

**حیطه‌ی شناختی:** آگاهی، درک و فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ارزش‌یابی، خلاقیت؛

**حیطه‌ی عاطفی:** دریافت و توجه کردن، پاسخ دادن، ارزش‌گذاری، سازمان‌دهی ارزش‌ها، درونی شدن ارزش‌ها؛

**حیطه‌ی روانی-حرکتی:** مشاهده و تقلید اجرای عمل بدون کمک، دقت در عمل، هماهنگی حرکات، عادی شدن عمل هدف‌ها براساس نظریه‌ی هارلن (دانشور، ۱۳۹۱) در سه حیطه‌ی دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها تقسیم شده‌اند.

هدف‌ها براساس برنامه‌ی درسی ملی در یک جدول ماتریسی به شکل جدول ۱ بیان شده است.

همان‌طور که در جدول هدف‌ها مشاهده می‌کنید، هدف‌ها در پنج عنصر تعقل و تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق تعیین شده است و انتظار می‌رود دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی در سطح مناسبی، به مصادیق این اهداف دست یابند. این عناصر در ارتباط با چهار محور یا عرصه‌ی خود، خدا، خلق و خلقت بروز و ظهور می‌کند. به عبارت دیگر، در چهار زمینه دانش‌آموزان باید با توجه به تفکر و پژوهش به آگاهی دست یابند. علاوه بر علم در عمل نیز شناخت خود را بروز دهند. در ادامه با رشد فضایل اخلاقی و خودپالایی، ایمان و خودباوری در عرصه‌های مختلف به استعالی نفس خود کمک کنند تا به این ترتیب به ذات باری تعالی تقرب بیابند.

هدف‌ها همان نتایج مورد انتظار هستند که باید در عملکرد دانش‌آموزان نشان داده شود. لذا پس از نوشتن اهداف باید نشانگرهای آن و در نهایت سطح مورد انتظار را مشخص کرد.

طراحی اهداف آموزش به صورت کلی یا یادگیری، نشانه‌های تحقق و در نهایت سطح مورد انتظار یا انتظارات عملکردی در طرح جدید ارزش‌یابی با عنوان ارزش‌یابی توصیفی مدنظر قرار گرفته است (راهنمای ارزش‌یابی توصیفی، ۱۳۹۰)، که می‌توان

عناصر	عرصه	خود	خدا	خلق	خلقت
تفکر و تعقل					
ایمان و باور					
علم و آگاهی					
عمل و کار					
اخلاق					

جدول ۱- هدف‌ها



**نکته:** در توضیحات مقاله عملاً نقش معلم، دانش آموز و روش سنجش توضیح داده می شود، لذا از ذکر آن در داخل جدول خودداری شده است.  
در عین حال در مقاله‌ی بعدی راهبردها و شیوه‌های ارزش‌یابی یادگیری مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## جدول ۲

اهداف یادگیری	درک تقارن محوری اشکال به کمک رنگ‌آمیزی
نشانه‌های تحقق	رنگ‌آمیزی صحیح نیمه‌ی رنگ نشده اشکال متقارن
انتظار عملکردی (در حد خیلی خوب)	نیمه‌ی رنگ نشده اشکال متقارن را با جزئیات زیاد به درستی رنگ‌آمیزی می‌کند و اشکال متقارن محوری ساده را تشخیص می‌دهد.

آن را به شکل جدول ۲ به نمایش گذاشت: (مثال: تقارن در ریاضی)

## ۲. تعیین پیش‌دانش‌ها و ارزش‌یابی تشخیصی

پس از تبیین اهداف درس جدید و مشخص کردن انتظارات عملکردی، معلم از خود می‌پرسد: «دانش آموزان نسبت به این اهداف چه مطالبی را باید از قبل بدانند؟» آن‌ها را به صورت اهداف ورودی مشخص می‌کند و با توجه به زمان و شرایط دیگر نسبت به نحوه‌ی سنجش پیش‌دانش‌ها تصمیم می‌گیرد و در روز اجرای برنامه، قبل از بیان درس جدید، پیش‌دانش‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد.

## ۳. پیش‌بینی و تدارک فرصت‌های مناسب یادگیری

در طرح درس‌های قبلی صرفاً به پیش‌بینی وسایل آموزشی بسنده می‌شد اما به نظر می‌رسد در این مرحله به‌ویژه برای دوره‌ی ابتدایی علاوه بر وسایل آموزشی متناسب با هر درس (ریاضی، فارسی و...) به پیش‌بینی‌ها و تدارک‌های مناسب دیگری - علاوه بر فناوری و آموزش - نیازمندیم که معلم باید از قبل به آن‌ها فکر کند و تصمیم مناسب را بگیرد. به‌طور مثال، در کلاس اول که دروس مختلف به‌ویژه فارسی با همکاری و حضور دائمی اولیا تدریس می‌شود، ضمن یک تقسیم‌بندی مناسب هر یک از اولیا موظف می‌شوند برای هر درس همکاری‌ها و فرصت‌های لازم

## جدول ۳

محورها	نقش معلم	نقش دانش آموز	روش سنجش
فعال‌سازی تفکر			
کاوش یا پژوهشگری گروهی			
فعالیت‌های علمی			
توضیح و تبیین (توجه دادن به ارتباط موضوع درس با خدا، خود، خلق و خلقت با بهره‌گیری از خودباوری و خودپالایی)			
شرح و بسط (مفهوم‌سازی و تولید دانش)			
ارزش‌یابی فرایندی			
تکالیف (تمرینی، توسعه‌ای و تثبیتی)			

را تدارک ببینند؛ مانند تهیه‌ی آش و بردن وسایل گوناگون به مدرسه و...

## ۴. فرایند اجرای یاددهی - یادگیری

در طرح درس‌های قبلی صرفاً روش‌های مورد استفاده در ارائه‌ی هر درس ذکر می‌شد اما در شیوه‌ی جدید باید عملاً در چارچوب تدریس، نقش معلم و دانش آموز به همراه فرایند تدریس، به صورت سناریوی تدریس طراحی و تدوین می‌گردد. به عبارت دیگر، همان کاری که در کلاس درس انجام می‌گیرد، در چارچوب کلی تدریس مشخص شود.

در این مرحله با توجه به راهبردهای تدریس که قبلاً بیان شد (زمینه‌محور، تعاملی و انتقالی) و در نظر گرفتن الگوی هدف‌گذاری در برنامه‌ی درسی ملی، محورهای فرایند یاددهی - یادگیری به ترتیب جدول ۳ تدوین می‌شود (محبی، ۱۳۹۰). الف) اولین مرحله از تدریس، فعال‌سازی تفکر است. از طریق سؤال، نشان دادن فیلم، خواندن یک قصه یا شعر و... زمینه‌ی آمادگی ذهنی و عاطفی دانش آموزان فراهم می‌شود. این زمینه‌سازی عملاً تمایل دانش آموزان به یادگیری (انگیزه) را رقم می‌زند. نقش دانش آموزان در این مرحله مشاهده، گوش دادن، پاسخ دادن به سؤالات و ایجاد تمرکز، توجه و تمایل به یاد گرفتن است و روش سنجش نیز بیشتر روش مشاهده‌ای است.

ب) پس از ایجاد آمادگی، دانش آموزان هدایت می‌شوند تا به کمک روش‌های



# تفکری برای تفکر

## مسابقه‌ی شماره‌ی ۷

مهلت ارسال پاسخ‌ها: ۲۰ خردادماه ۱۳۹۲

پرسش‌های مسابقه‌ی این شماره از «تفکری برای تفکر» نیز مانند همیشه از بخش پرونده‌ی مجله یا تجربه‌های سبز خودتان انتخاب شده است. در این شماره، دو پرسش مطرح کرده‌ایم:

● پرسش ۱: در صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳ دو مطلب چاپ شده است که هر یک به‌نوعی بر چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات در کلاس‌های درس تأکید دارد و هر دو نیز یکی از چالش‌های موجود در این زمینه را به بحث می‌گذارد: کمبود امکانات (در نوشته‌ی اول) و عدم بهره‌گیری مناسب از امکانات موجود (در نوشته‌ی دوم). در مقام آموزگار دوره‌ی ابتدایی، دست‌کم ۱۰ چالش عمده در زمینه هوشمندسازی و استفاده‌ی بهینه از فناوری اطلاعات در آموزش را توضیح دهید.

● پرسش ۲: در صفحه‌ی ۱۴ و ۱۵ دو مطلب چاپ شده است که هر دو به‌نوعی بر نشناختن ویژگی‌های دانش‌آموزان به‌وسیله‌ی معلمان تأکید دارد (اول دقت، سپس درمان! - باز هم چالشی به نام عدم‌شناخت). از این قبیل مطالب تاکنون نمونه‌های فراوانی را در مجله چاپ کرده‌ایم. آموزگاران‌ی که تجربه‌های خود را در این زمینه برایمان ارسال می‌کنند، از اینکه با نشناختن دانش‌آموزان خود، در تربیت آنان اختلال ایجاد کرده‌اند، با شجاعتی بی‌نظیر سخن می‌گویند.

به‌نظر شما با چه شیوه‌هایی می‌توان دانش‌آموزان را بهتر و بیشتر شناخت؟ به‌طور مبسوط توضیح دهید.



پژوهشی، اطلاعات را از طریق مشاهده، گفت‌وگو، تجارب خود، گوش دادن، مطالعه کردن، بررسی منابع، انجام آزمایش و... جمع‌آوری کنند. زمینه‌سازی برای هدایت یادگیری از طریق گروه‌های یادگیری ضمن ایجاد شوق و هیجان یادگیری، زمینه‌ای را فراهم خواهد کرد تا مهارت‌های اجتماعی (نقد و بررسی، حس همکاری، پذیرش نقد، خودارزیابی و...) نیز رشد کند. لذا تأکید می‌شود تمام این مرحله یا بخشی از آن از طریق گروه‌های یادگیری مدیریت شود. روش‌های سنجش فرایندی در این مرحله، عبارت‌اند از مشاهده و بازدید از عملکرد دانش‌آموزان، تهیه‌ی سیاهه (چک‌لیست)، زمینه‌سازی برای طرح سؤال دانش‌آموزان در گروه از همدیگر و از گروه‌های دیگر. (پ) در مرحله‌ی سوم دانش‌آموزان هدایت می‌شوند تا براساس نقش و احساس مسئولیت، فعالیت‌های عملی خود را انجام دهند. انجام دادن تمرینات، آزمایش‌ها، ساخت وسیله، بحث و گفت‌وگو در گروه از نشانه‌های فعالیت‌های عملی دانش‌آموزان است که در این مرحله صورت می‌گیرد.

(ت) در مرحله‌ی چهارم، دریافت‌های ذهنی و نتایج پژوهش‌ها ابتدا از سوی گروه‌ها بیان می‌شوند. همچنین پس از نقد و بررسی، معلم ضعف و قوت‌ها را می‌نویسد و در نهایت به تشریح مختصر موضوع درسی می‌پردازد. او در این مرحله به توجه خودمدیریتی، اعتماد به نفس، و خودپالایی دانش‌آموزان جهت درک و یادگیری بهتر مطالب در چهار عرصه می‌پردازد. سنجش و اندازه‌گیری در این مرحله مشاهده و بررسی مستندات تولیدشده‌ی دانش‌آموزان است.

(ث) در مرحله‌ی پنجم باید مفاهیم مورد نظر با توجه به اهداف درس برای دانش‌آموزان روشن شود و اکثر آن‌ها بتوانند مطالب یاد گرفته شده را بازتولید و مفهوم‌سازی کنند و متناسب با درک و فهم خود به تولید دانش در زمینه‌ی موضوع مورد نظر بپردازند. این مرحله بسیار مهم است؛ چون انتظار می‌رود که دانش‌آموزان به یادگیری واقعی دست یافته باشند. از طریق پرسش‌های شفاهی، کتبی، حل مسئله و تمرین‌ها این فرایند بررسی می‌شود تا از یادگیری دانش‌آموزان اطمینان حاصل شود. (ج) ارزش‌یابی (فرایندی)

همان‌طور که در نوشتار بالا ذکر شد، ارزش‌یابی در دوره‌ی ابتدایی عملاً فرایندی است؛ یعنی در فرایند یادگیری، ارزش‌یابی به شیوه‌های مختلفی که در متن هر محور ذکر شد، مدیریت می‌شود. (چ) ارائه‌ی تکالیف

یادگیری باید در کلاس درس اتفاق بیفتد اما برای تمرین و تثبیت و توسعه‌ی آن، انواع تکالیف مانند خلاصه نوشتن، حل تمرینات، تکرار مطالب برای حفظ آن‌ها به‌ویژه شعر و آیات قرآن و... ساخت وسیله، انجام پروژه و پژوهش می‌تواند در این مسیر راه‌گشا باشد.

منابع  
۱. سیف، علی‌اکبر. سنجش فرایند و فرآورده‌های یادگیری، انتشارات دوران. ۱۳۸۹.  
۲. دانش‌سور، میترا. جزوه‌ی الگوی هدف‌گذاری، مرکز منابع سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۹۱.  
۳. سند برنامه‌ی درسی ملی، ویرایش پنجم، مرکز منابع سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۹۱.  
۴. راهنمای ارزش‌یابی توصیفی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۸۹.  
۵. محبی، عظیم. بررسی نظریه‌ی ساختن‌گرایی در روش‌های تدریس، پایان‌نامه‌ی دکترای پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.

# تجربه‌های آموزشی از لارستان فارس



اخیراً از خانم «فتانه آزاد»، آموزگار پایه‌ی اول دبستان مکتب زهرا در لارستان فارس بسته‌ای دریافت کردیم که حاوی شش جلد از آثار آموزشی چاپ شده‌ی این آموزگار تلاشگر بود. وی که سال‌هاست در پایه‌ی اول و دیگر پایه‌ها تدریس می‌کند، تجربه‌های آموزشی خود را در قالب کتاب‌های متعدد به چاپ رسانده است. ضمن ابراز خوش‌حالی از این که آموزگاران ما برای رساندن تجربه‌های خود به دیگران، از انواع روش‌های در دسترس همانند چاپ کتاب، راه‌اندازی وبلاگ، تجربه‌نویسی در قالب مقاله و فرستادن آن به نشریات محلی و سراسری و... استفاده می‌کنند، مشخصات این شش کتاب را در این جا به‌طور خلاصه می‌آوریم.

«ضرب را با شعر بخوانیم» (آموزش جدول ضرب با شعر) / ۱۲ صفحه / خشتی / چهاررنگ / ناشر: مؤلف  
 «سرگذشت سارا» (داستانی برای تقویت انشا) / ۱۲ صفحه / خشتی / چهاررنگ / ناشر: ادیب مصطفوی شیراز (در آماده‌سازی این سه کتاب دکتر محمدرضا سنگری، از مؤلفان شناخته شده‌ی کتاب‌های درسی و آموزشی نظارت داشته است).  
 «قلی باهوش» (داستانی برای یادگیری محیط و مساحت مستطیل و مربع) / ۱۲ صفحه / خشتی / چهاررنگ / ناشر: مؤلف  
 «کنجینه‌ی تدریس» (خلاصه‌ای از فنون و روش تدریس فارسی اول ابتدایی برای اولیا) / ۶۴ صفحه / رقعی / ناشر: ناصر قم.  
 «شهر قصه‌ها» (مجموعه داستان‌های آموزشی از کتاب علوم تجربی پایه‌ی اول ابتدایی) / ۶۴ صفحه / رقعی / ناشر: آفاق لارستان  
 روش‌های تربیتی و روان‌شناختی انسان (گزیده‌ای از نکته‌های تربیتی و مراحل خلقت انسان در قرآن) / ۹۶ صفحه / رقعی / ناشر: ناصر قم.  
 علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از جزئیات کتاب‌ها با شماره تلفن‌های ۰۲۵۰-۷۸۱۰۲۵۰ و ۰۷۸۱-۲۳۴۶۶۵-۲۳۴۶۶۵ تماس بگیرند.

## شب چله بود

- نویسنده: سمیه ستاری
- ناشر: سروچمن، اصفهان (تلفن ۰۹۱۳۳۲۸۷۴۹۴)
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۱ / قیمت: ۲۵۰۰ تومان



از سمیه ستاری چندین تجربه یا خاطره در مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به چاپ رسیده است. او اکنون آموزگار پنج‌پایه و معاون آموزشی در روستای «حوض ماهی» از شهرستان مبارکه است. ستاری آموزگار زحمت‌کش و باذوقی است. او پس از نوشتن خاطرات یا مقاله‌هایش، دست به کار شده و تعدادی از داستان‌هایش را در کتابی به نام «شب چله بود» به چاپ رسانده است. از موارد جالب توجه در نوشته‌های وی دقت در اوضاع مدرسه، دانش‌آموزان، طبیعت روستا، غروب و طلوع، فصل‌ها و ارتباطات و مناسبت‌های اجتماعی است. خالی از لطف نیست اگر چند سطر آغازین داستان «تولدی دیگر» را در این جا بیاوریم تا کلیدواژه‌های ذهنی نویسنده را بررسی کنید.

«فصل زمستان بود و هوا سرد؛ طوری که وقتی در باز می‌شد، لشکر سرما به سر و صورت‌م هجوم می‌آورد...

گاهی صدای پرتلین رعد و برق، سکوت ده را می‌شکست... گویی آسمان تیره و تار هم دلش مانند من گرفته بود...

یاد آن روز افتادم که با مریم برای تدریس به این روستا آمده بودیم...»

ستاری با همه‌ی توان در تنها مدرسه‌ی چند پایه‌ی روستای حوض ماهی شهرستان مبارکه تدریس و در ضمن معاونت هم می‌کند. امیدواریم روزی بتوانیم این معلم پرتوان و کلاش را از نزدیک ببینیم.

# انوار روش

## برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس

نویسنده: دکتر جیمز دی. ساتن

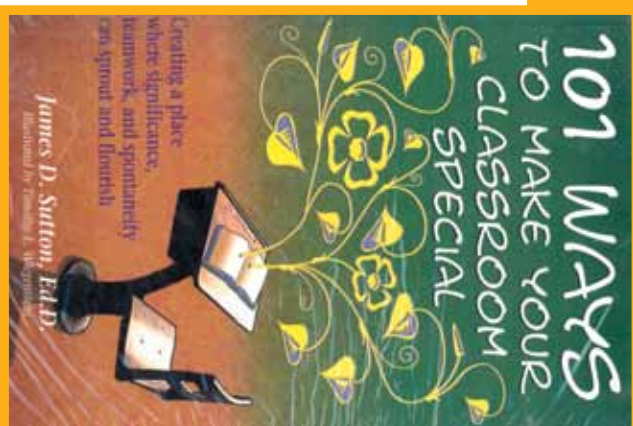
مترجم: نگار مجتفر



انتشاره

تاکنون شش بخش از کتاب «۱۰۱ روش برای منحصر به فرد ساختن کلاس های درس» را خوانده اید. در شش بخش پیشین، علاوه بر مباحث مقدماتی، ۲۸ روش هم ارائه شد. در این شماره، تا روش ۳۵ پیش خواهیم رفت.

فصل کتاب در روش در مجله



### ۳۹. بارش ذهنی احساسات

این مورد یکی از فعالیت های مهم احساسی است؛ چرا که دیگر فعالیت های احساسی از آن سرچشمه می گیرد. این فعالیت زمینه ی تمرین مهارت های بارش ذهنی را برای شما فراهم می کند (نگاه کنید به فعالیت ۲۹، فصل ۴). از این مراحل برای بارش ذهنی استفاده کنید.

با یکی از چهار احساس زیر شروع کنید و از دانش آموزانتان بخواهید احساسی را که هر موقعیتی نشان دهنده ی آن است، ذکر کنند (این فعالیت فوق العاده است؛ زیرا تفاوت های چهار احساس را به دانش آموزان می آموزد. برای مثال، دو احساس ترس و خشم به راحتی اشتباه گرفته می شوند). شما همچنین می توانید در فعالیتی از آن ها بخواهید به چیزهای غمگین در جامعه، روزنامه، برنامه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی توجه کنند (با دیگر احساسات مورد نظر).

وقتی به مجموعه ای غنی از مثال ها دست یافتید، آن ها را روی چند کارت بنویسید. در زیر چند نمونه ذکر شده است:

نازاحت:

● مادر چی خبر مرگ مادر بزرگش را به او داده بود.

● تپیدی برای امتحان دیکته اش خیلی درس خوانده بود اما نمره ی خوبی کسب نکرد.  
 ● داور جیمی را به خاطر چندین خطای بی دزدی از زمین بازی اخراج کرد.





اگر دانش‌آموزان برای حل این تمرین درخواست کمک کردند، به آن‌ها بگویید که چیزهای ملموس و ناملموس گوناگونی وجود دارند که ممکن است جانی از نمود آن‌ها ریزخ برد (اشما باید مفهوم «للموس» را توضیح دهید و سپس از بچه‌ها بخواهید برای ملموس و ناملموس چند مثال بزنند) همچنین روابط از دست‌رفته را ذکر کنید. چند مورد از چیزهایی که جانی از دست خواهد داد در ادامه ذکر شده است.

### ملموس:

- خانه‌ی قدیمی‌اش؛
- اتاقش؛
- تختش؛
- میزش در مدرسه؛
- مدرسه‌اش؛
- فرهنگسرای محل و دوستانش در آن‌جا.

### ناملموس:

- نظم و انضباط؛
- صمیمیت؛
- «آن‌طور که قبلاً بود»؛
- معیارهای قلبی زندگی.

### روابط:

- دوستان قدیمی؛
- معلمانش؛
- مشاور مدرسه؛
- مدیر مدرسه؛
- تیم فوتبال و مربی‌اش؛
- پدر، به‌عنوان شخصیتی همیشگی در زندگی‌اش؛
- دوستانش در تیم فوتبال محلی.

### ۳۲. جوهر یا روغن: کدام یک هستیید؟

این فعالیت نشان می‌دهد که ما می‌توانیم با برداشتن گام‌های قاطع، با منابع و خستگی‌ها کنار بیاییم یا بگذاریم هر مشکلی که پیش می‌آید ما را تحت تأثیر قرار دهد. دو پیاله یا دو لیوان شفاف را پر از آب کنید. این بیانیگر زندگی است. به دانش‌آموزان دو ظرف کوچک را نشان دهید که یکی از آن‌ها حاوی جوهر و دیگری حاوی روغن موتور است. این دو بیانیگر مشکلاتی هستند که در زندگی ما پیش می‌آیند. برخی از افراد با مشکلات

• یک نفر از فلک مروی بول برداشته بود، او می‌خواست با آن بول، بلیت استخر بخرد. خوشحال!

- خانم دیور، همسایه‌ی دیوار به دیوار بود. به وی قول داده بود یکی از توله‌سگ‌هایش را به او بدهد.
- آقای جونز، به بیلی یک شغل تابستانی داده بود؛ او پارکینگ مغازه‌ی خواربارفروشی آقای جونز را تمیز می‌کرد.

### هوراسان:

- مدیر مدرسه مارک را به دفتر خود فراخواند و به او گفت پدرش تصادف کرده است.
- لورک به نامی گفت که بعد از مدرسه او را تکک خواهد زد.

### ۳۰. ایفای نقش احساسی

در اینجا فعالیتی برای گروه‌های یادگیری مشارکتی مطرح کرده‌ام. کارت‌های فعالیتی را که تهیه کرده‌اید، روی میز بگذارید؛ طوری که رویشان به سمت میز باشد تا دانش‌آموزان بتوانند آن‌ها را ببخوانند. حالا اجازه دهید دانش‌آموزان با گروه‌ها به نوبت کاری را انتخاب کنند و موضوع نوشته شده روی کارت را به‌صورت نمایش به اجرا در آورند. یک بیننده‌ی طرف چند دقیقه، دیگر دانش‌آموزان به احساس موردنظر می‌برند. این ایده‌ی ساده را می‌توانید گسترش دهید و آن را به متاتری هنرمندان تبدیل کنید. به دانش‌آموزان بگویید که می‌توانند از چوب‌دستی یا انگشتی ساخته شده از جوراب، کیف‌های کاغذی، چوب و پشت‌ساق‌های کاغذی و مواد مشابه استفاده کنند. سپس بگذارید فعالیت‌های احساسی خود را برای کلاس اجرا کنند. این فعالیت‌ها تنها به دانش‌آموزان کمک می‌کند احساسات یکدیگر را درک و به‌دستی از آن‌ها استفاده کنند، بلکه فرصتی فوق‌العاده برای ریشه‌یابی خلاقیت در آن‌هاست.

### ۳۱. چه چیزی از دست داده‌اند؟

در این فعالیت، دانش‌آموزان می‌آموزند که تمام غصه و افسردگی‌شان، به این دلیل است که چیزی را از دست داده‌اند. اگر هیچ دلیلی پیدا نکنند، یعنی حس ناراحت نبودنشان را از دست داده‌اند. با استفاده از داستان زیر یا داستانی مشابه آن، دانش‌آموزان را به تفکر در مورد تمام چیزهایی که ممکن است از دست داده باشند، وارید (دوره، استفاده از مراحل بارش ذهنی در فعالیت ۲۹ که در بخش‌های بعدی توضیح داده خواهد شد، توصیه می‌شود) روش دیگر این کار، بارش ذهنی در گروه‌های فعالیت گروهی است. داستان نمونه در زیر آمده است.

**جانی** نه سال دارد، او خیلی غمگین است؛ چون والدینش تصمیم دارند از یکدیگر جدا شوند. جانی و مادرش هنگام تعطیلی مدارس، به شه‌سهری دیگری نقل مکان خواهند کرد. آن‌ها با پدربزرگ و ملدربزرگ جانی زندگی خواهند کرد. از آنجا که افسردگی به‌علت فقدان است، بیندیشید پس از نقل مکان، جانی فقمان چه چیزهایی را حس خواهد کرد.

همچون جوهر رفتار می‌کنند و برخی نیز مشکلات را چون روغن می‌بینند. از یکی از دانش‌آموزان بخواهید یک قطره‌ی درشت جوهر را در یک لیوان آب بریزد و از دیگران بخواهید به دقت مشاهده کنند که چه اتفاقی می‌افتد. سیاهی جوهر، تمام آب را رنگی می‌کند؛ همان‌طور که برخی افراد اجازه می‌دهند یک مشکل و سختی کوچک همه‌ی زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

آزمایش را تکرار کنید اما این بار از یکی از دانش‌آموزان بخواهید یک قطره روغن موتور در لیوان دیگر آب بریزد. مشاهدات دانش‌آموزان نشان می‌دهد روغن در سطح آب منتشر نمی‌شود و یک‌جا می‌ماند و باقی آب لیوان تحت تأثیر روغن قرار نمی‌گیرد. افرادی هستند که اجازه نمی‌دهند یک مشکل سطحی زندگی‌شان را مختل کند. آن‌ها با مشکل کنار می‌آیند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.

در نهایت، زمانی را به بحث در مورد ماهیت فعالیت اختصاص دهید و در مورد آنچه از آن آموخته می‌شود، گفت‌وگو کنید.

\* این ایده را هنگامی که طرحی را در دانشگاه ایالت لوئیزیانا ارائه می‌کردم، فردی مطرح کرد و خواست اسمش فاش نشود.



### ۳۳. جورابو بده به من

این فعالیت مربوط به احساسات، ممکن است کمی هزینه‌بر باشد اما ارزشش را دارد. شما به مقدار زیادی جوراب سفید و سه طرف رنگ گوناگون احتیاج دارید.

به هر احساس یک رنگ را اختصاص دهید (سفید و سه رنگ دیگر) و جوراب‌ها را طبق آن‌ها رنگ‌آمیزی کنید. ممکن است این فعالیت کثیفی ایجاد کند. برای همین می‌توانید از گروه‌های یادگیری‌تان بخواهید به نوبت جوراب‌ها را رنگ کنند.

برای انجام این فعالیت، از تمام دانش‌آموزان بخواهید کفش‌هایش را در بیاورند. سپس جعبه‌ای حاوی جوراب‌های گشاد را وسط کلاس قرار دهید. دانش‌آموزان باید کارتی از کارت‌های فعالیت ۲۹ را انتخاب کنند. سپس مقابل تخته صف بکشند. هنگام شنیدن جمله‌ی «جورابو بده به من» دانش‌آموزان باید به سمت جعبه بدوند، دو جوراب با رنگ مناسب را انتخاب کنند، آن‌ها را بپوشند و بعد به میز خود بازگردند. سپس در مورد کارت خود و جورابی که انتخاب کرده‌اند، صحبت کنند. آن‌گاه دوباره جوراب‌ها را به جعبه برگردانند. کارت‌ها را اسرچای خود بگذارند و فعالیت را تکرار کنند. (برای رعایت بهداشت فردی می‌توان این فعالیت را با جوراب‌های تمیز هم انجام داد).

### ۳۴. برچسب‌ها و علامت‌های روی سیر

از دانش‌آموزانتان بخواهید علامت‌هایی طراحی کنند که بتوانند احساسی را در مخاطب خود ایجاد کنند و درباره‌ی احساسات حرفی برای گفتن داشته باشند. برای خلاقانه‌ترین علامت‌ها، جایزه‌ای در نظر بگیرید و آن‌ها را در کلاس به نمایش بگذارید. این علامت‌ها را می‌توان در قالب پوستر طراحی کرد. این مثال‌ها توجه کنید.

- در این مکان رنج‌بردن مجاز است؛
  - پارکینگ رایگان برای ۳۰ دقیقه؛
  - کارت اعتباری در این مکان پذیرفته می‌شود؛
  - اگر اهل این کشور هستید می‌توانید از کارت اعتباری استفاده کنید؛
  - فردا صبح، رأس ساعت ۱۰:۳۷ دقیقه، یک کار خودانگیزخته خواهیم کرد.
- در نسخه‌ای دیگر از این فعالیت، می‌توانید کار مشابهی انجام دهید. اگر این علامت‌ها را از مواد مناسبی تهیه کرده باشید، می‌توانید واقعاً آن‌ها را روی سیر خود و بچسبانید یا با آن‌ها می‌توانید برای کودکان برچسب کوله‌پشتی تهیه کنید. بار دیگر، به چند مثال از این فعالیت توجه کنید.
- من روی احساسات خود می‌ایستم؛
  - لبخند می‌خواهید؟ لبخند مرا قرض بگیرید!

### ۳۵. این سبب‌زمینی برای توست!

به هر یک از دانش‌آموزان یک سبب‌زمینی بدهید و از آن‌ها بخواهید سبب‌زمینی خود را از یک تا چهار شماره‌گذاری کنند. شماره‌ی انتخاب شده بیاگر یکی از چهار احساس است (به‌طور مثال، ۳) به معنای خوش‌حال است.) دانش‌آموزان موظفانند سبب‌زمینی خود را به‌دقت بررسی کنند، به تمام ویژگی‌هایش توجه کنند و بگویند چرا سبب‌زمینی آن‌ها با بقیه سبب‌زمینی‌ها متفاوت است. آن‌ها باید به سبب‌زمینی خود شخصیت بدهند؛ ویژگی‌هایی همچون جنسیت اسم و سن. آن‌گاه از آن‌ها خواسته می‌شود داستانی درباره‌ی شخص سبب‌زمینی خود، طبق احساس انتخاب شده طراحی کنند. پس از آن، هر یک از دانش‌آموزان داستان سبب‌زمینی خود را تعریف می‌کنند. پس از پایان داستان گوئی، سبب‌زمینی‌ها دوباره درون جعبه قرار می‌گیرند.

پس از پایان قصه‌گوئی، هنگامی که تمام سبب‌زمینی‌ها درون جعبه قرار گرفتند، از دانش‌آموزان بخواهید سبب‌زمینی خود را به سرعت پیدا کنند. سپس درباره‌ی اینکه چگونه توانستند سبب‌زمینی خود را از میان تمام سبب‌زمینی‌ها پیدا کنند توضیح دهند. این فعالیت به دانش‌آموزان می‌آموزد که هر کس ویژگی‌های منحصر‌به‌فردی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند؛ فعالیتی مشابه این فعالیت، با لیمو انجام می‌شود. البته یافتن لیمو مورزنظر از میان تمام لیموها به مراتب سخت‌تر از یافتن سبب‌زمینی است.

# تجربهای من

پرونده

آموزش ابتدایی

دوره ۱۶ - شماره ۷

فروردین ۹۲



## تحقیق دانش آموزی و صله‌ی رحم!

سید حسین رضوی خوشفی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، یزد

برای تحقیق‌های دانش آموزی، ده‌ها حسن و منفعت معنوی و مادی می‌توان برشمرد! یکی هم - که من اخیراً به آن رسیده‌ام - این است که بچه‌ها را با معرفت و اهل صله‌ی رحم بار می‌آورد؛ اما چگونه؟ برادرزاده‌ای دارم که محصل است و در یکی از دبستان‌های به اصطلاح خاص تحصیل می‌کند. او در طول هفته یک‌بار و آن هم غروب دل‌گیر جمعه به یاد من می‌افتد و تلفنی می‌زند و حال و احوالی می‌پرسد. بعد هم با سادگی و ملاحظاتی خاص می‌گوید: «عموجان، خانمون گفته برای فردا از اینترنت - مثلاً درباره‌ی نفت - تحقیق کنید و به کلاس بیاورید. اگر شما خانه هستید، این تحقیق را برای من بنویسید و پرینت کنید، بعد با زن‌عمو و بچه‌ها بیایید خانه‌ی ما تا امشب با هم باشیم.»

من هم که می‌دانم اگر جواب منفی بدهم او به عموی دیگرش تلفن می‌کند، چشمی می‌گویم و سریع می‌روم پشت رایانه و از این پایگاه و آن پایگاه مطلب به درد بخوری را درمی‌آورم و در برنامه‌ی واژه‌پرداز دستی به سر و رویش می‌کشم و با حاشیه‌ی گل و بلبلی، پرینت می‌گیرم و تحویلش می‌دهم. اگر به دستش نرسانم چندین و چند بار تا آخر شب صله‌ی رحم را به جا می‌آورد و احوال ما را می‌پرسد. این طوری می‌شود که غروب جمعه را که به قولی فکر شنبه‌اش مرا سخت دل‌گیر می‌کند، با وب‌گردی و انجام یک پروژه‌ی تحقیقی می‌گذرانم و این، کار چند ماه اخیر من، از شروع سال تحصیلی جدید، است.

چند باری خواستم به این تحقیق‌ها نامه‌ای را پیوست کنم با این مضمون که: «همکار عزیز و محترم، این کاری که شما به این بچه‌ها تکلیف می‌کنی، اسمش تحقیق نیست. در بهترین حالت یک Print, Paste, Copy است و در هیچ جای دنیا این کار را تحقیق به حساب نمی‌آورند و از دانش‌آموز ابتدایی نمی‌خواهند. دانش‌آموز ابتدایی اگر هم کار تحقیقی باید انجام بدهد، باید دست‌نویس باشد و منبع تحقیقش هم کتاب و مجله و آدم‌های مطلع و در آخر اینترنت و رایانه زیر نظر بزرگ‌ترهاست.» ولی تصمیم گرفتم که ابتدا این موضوع را در مجله‌ی رشد مطرح کنم، شاید آن همکار عزیز و دیگر معلمانی که این نگاه را دارند، مطلب را بخوانند و نگاهشان را عوض کنند.

البته کار دیگری هم که کرده‌ام این بوده است که از بایگانی سایت مجلات رشد (roshdmag.ir) سال قبل شش مقاله با عنوان «پژوهش و مدیران مدرسه‌ها» به قلم آقای مجدفر را که در رشد مدیریت مدرسه چاپ شده و در سال تحصیلی جاری نیز انتشار آن ادامه یافته است، پرینت گرفته‌ام که برای این معلم دل‌سوز بفرستم دست‌کم بداند تحقیق دانش‌آموزی چه چیز هست و چه چیز نیست؟

البته این را رسالتی برای مجلات رشد می‌دانم که در هر سطحی، معلمان دوره‌های گوناگون را با بایدها و نبایدهای تحقیق دانش‌آموزی آشنا کنند و آفتی را که این روزها نصیب مقوله‌ی پژوهش در مدارس و دانشگاه‌ها شده است، با سبک و سیاقی که گفته شد، از میان بردارند. بد نیست این را هم بدانید که چندی پیش با جست‌وجو در اینترنت دریافتم که از ۱۳ کار پژوهشی که در یک دوره‌ی آموزشی از معلمان دریافت کرده بودم، ۱۰ کار عیناً از پایگاه‌های اینترنتی برداشت و به‌عنوان پروژه‌ی پایانی به من که در دوره‌ی آموزش ضمن خدمت تدریس می‌کردم، تحویل داده شده بود. جای تأسف است که معلمان ما نیز تحقیقات خود را این‌گونه انجام می‌دهند.





# صفحه کلیدهای کاغذی!

فائزه میرزایی

آموزگار پایه‌ی ششم، سوادکوه مازندران

با شروع مدرسه به‌عنوان آموزگار پایه‌ی ششم وارد کلاس شدم. دانش‌آموزان شنیده بودند که اسامال کتاب‌های جدیدی مثل «تفکر و پژوهش» و «کار و فناوری» دارند. آن‌ها بی‌صبرانه منتظر بودند ببینند در این کتاب‌ها چه مطالبی است؟

وقتی فهمیدند در درس کار و فناوری قرار است با رایانه کار کنند، خیلی خوش‌حال شدند. زنگ کار و فناوری را با علاقه و هیجان دنبال می‌کردند و این شور و اشتیاق را در چشمان تک‌تکشان می‌دیدم. اشتیاق به کار کردن با رایانه، آن‌هم در کلاس درس! مخصوصاً در قسمت آموزش محیط «Paint» با کشیدن نقاشی، ذوق و شوق بیشتری از خود نشان می‌دادند و در کشیدن طرح‌ها، رنگ‌آمیزی و انتخاب نقاشی‌هایشان به‌عنوان پس‌زمینه‌ی صفحه‌ی نمایش رایانه‌ی کلاسشان، رقابت زیبا و جذابی با هم داشتند. آن‌ها، اما مشکلی داشتند! مشکلی که فکر می‌کنم خیلی از مدارس دیگر کشورمان هم آن را تجربه می‌کنند: کم بودن تعداد رایانه!

کلاس من یک رایانه داشت با ۳۱ دانش‌آموز که هر کدام روزشماری می‌کردند سه‌شنبه از راه برسد و این بخت را پیدا کنند که پشت رایانه کار کنند و بتوانند کارشان را در کلاس نشان دهند. در هر جلسه نیز فقط سه یا چهار نفر می‌توانستند این فرصت را تجربه کنند. من سعی کردم بیشتر از بچه‌هایی که در خانه رایانه نداشتند استفاده کنم. چون این تنها فرصت برای آن‌ها بود! اما از طرفی دانش‌آموزان دیگری که در خانه این امکان را داشتند و تمرین می‌کردند، دوست داشتند نتیجه‌اش را در کلاس به من و دوستانشان نشان دهند. احساس کردم نبودن این فرصت ممکن است باعث دل‌زدگی آن‌ها از این درس شود؛ بنابراین تصمیم گرفتم بچه‌ها را به گروه‌های سه نفره تقسیم کنم و در طول هفته، هر روز سه نفر در زنگ‌های تفریح یا فرصت‌های آزاد دیگر روی رایانه کار کنند و مطالبی را که آموخته‌اند به نام خودشان ذخیره سازند. بچه‌ها از این کار استقبال کردند و به‌خاطر این فرصت خیلی خوش‌حال شدند و با اشتیاق این کار را انجام دادند.

وقتی به آموزش «Word» رسیدم، مشکل پیچیده‌تر شد. باید نوشتن را به کمک صفحه‌ی کلیدی که روی میز جلوی کلاس بود، انجام می‌دادم. در حالی که دیدن دگمه‌ها از نزدیک برای ۳۱ نفر ممکن نبود و آن‌ها نمی‌توانستند دگمه‌ها را لمس کنند و از نزدیک ببینند. فقط کلمه‌های تایپ شده را از روی پرده‌ی نمایش کلاس می‌دیدند!

بچه‌هایی که برای نوشتن و کار کردن در این محیط پشت رایانه قرار می‌گرفتند، چون با جای حروف روی صفحه کلید آشنا نبودند، مدت زیادی طول می‌کشید تا یک حرف را پیدا کنند و کلمه‌ها را بنویسند. از آن‌ها خواسته بودم در زنگ‌های تفریح به صفحه کلید نگاه کنند تا با مکان دگمه‌ها و حروف الفبای روی آن‌ها آشنا شوند. ولی خب باز هم مشکل این بود که یک صفحه کلید و این همه دانش‌آموز!

به دنبال راهی می‌گشتم تا این مشکل را حل کنم. بعد از چند روز فکری به ذهنم رسید! تصمیم گرفتم روی یک برگه‌ی کاغذ ۴×۴ تصویر کلیدهای مختلف را به همراه نوشته‌ها و حروف الفبای آن‌ها بکشم. این برگه‌ها را به تعداد دانش‌آموزان کپی کردم و روی میز آن‌ها چسباندم. حالا دیگر بچه‌ها می‌توانستند دگمه‌ها، جایگاه حروف و علائم نگارشی را از نزدیک ببینند و لمس کنند! حالا دیگر به تعداد بچه‌های کلاس صفحه کلید داشته، البته «صفحه کلیدهای کاغذی!»

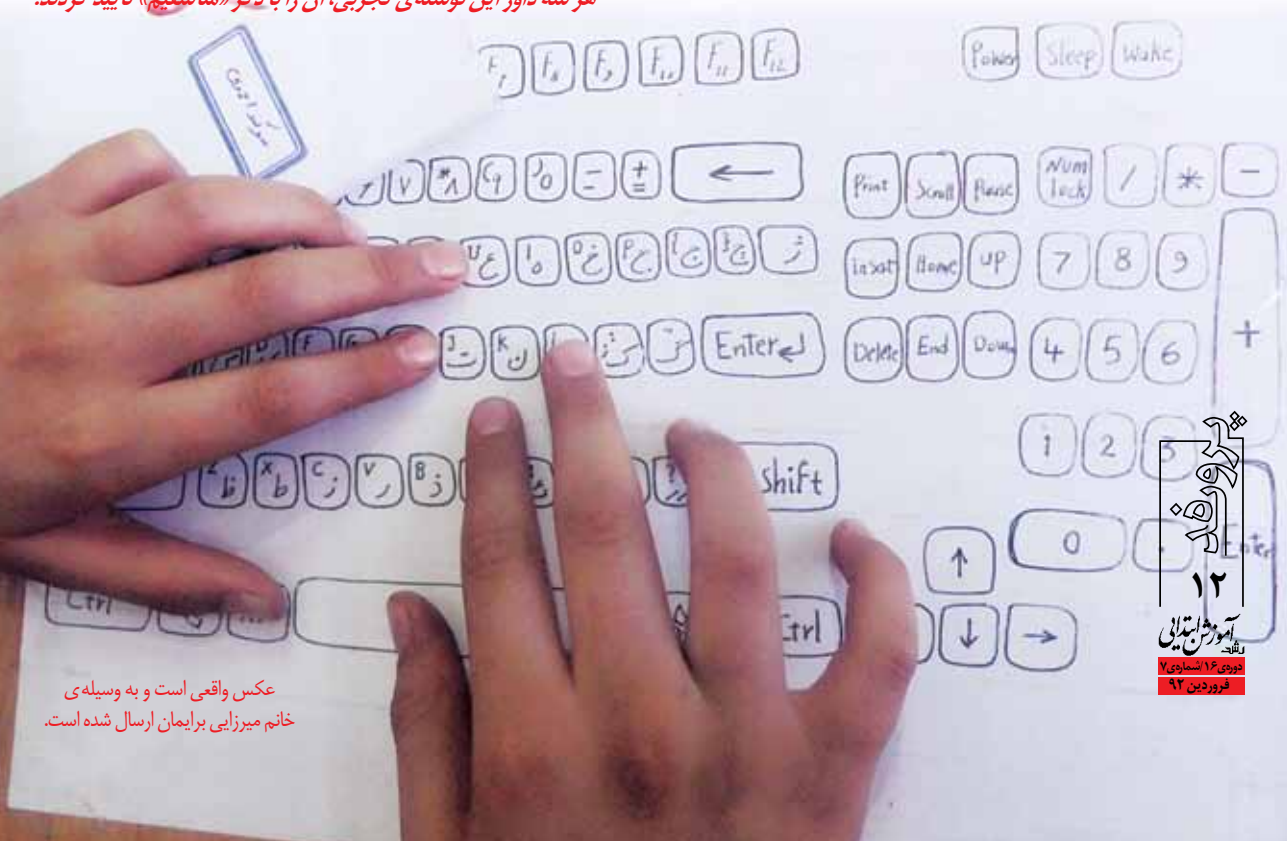
این بار در زنگ کار و فناوری، همه‌ی بچه‌ها می‌توانستند کلمه‌ها و جمله‌های خود را بنویسند و با دستان کوچکشان، دگمه‌های کاغذی صفحه کلیدهایشان را لمس کنند. شوق و علاقه و پیشرفت قابل توجه بچه‌ها می‌گوید که این نوشته‌ها با قاب، فونت و اندازه‌ی دوست‌داشتنی در حافظه‌ی رایانه ذهنشان برای همیشه باقی خواهد ماند و برخلاف حافظه‌ی رایانه‌ای کلاسشان هیچ‌وقت پاک نمی‌شود!

فکر می‌کنم تصویری که ذهن بچه‌ها از این تجربه‌ی ساده ثبت می‌کند، هرگز فراموش نخواهد شد...!

**آفرین بر آموزگار این کلاس که با ابتکار خود، همراهی آموزگاران در هوشمندسازی مدارس را نشان داده**

**و ضعف مسئولان در تجهیز مدارس به امکانات سخت‌افزاری را پوشانده است.**

**هر سه داور این نوشته‌ی تجربی، آن را با ذکر «متأسفیم» تأیید کردند.**



عکس واقعی است و به وسیله‌ی خانم میرزایی برایمان ارسال شده است.



# پاورپوینت دوست ماست اگر...

## مرضیه معین

آموزگار پایه‌ی اول دبستان سما، نجف‌آباد

پدیده‌ی «پدیکلوز» صحبت کنید، در حالی که اکثراً با شکل شپش ناآشنا هستند می‌توانید چند تصویر شپش را به‌صورت اسلایدی در آورده و نمایش بدهید. یا اگر قرار است درباره‌ی خاصیت ید حرف بزنید بهتر است چند تصویر درباره‌ی کودکانی که کمبود ید دارند، نمایش بدهید.

۷. وجود یک موسیقی پس‌زمینه‌ی آرام، هنگام پخش پاورپوینت تمرکز حواس بیننده را بالا می‌برد.

۸. حتماً از پاورپوینت خروجی مطمئن بگیرید. برگشت فونت‌ها به حالت پیش‌فرض، حکایت از نوعی ناشی بودن سازنده‌ی پاورپوینت دارد.

۹. گنجینه‌ی منابع پاورپوینت خود را گسترش دهید. در مواقع بیکاری می‌توانید روی اینترنت جست‌وجو کنید و انواع پس‌زمینه‌ها، عکس‌ها، موسیقی‌ها و... را پیدا و ذخیره‌سازی کنید و هرگز از کسی خواهش نکنید که گنجینه‌ی خود را در اختیار شما قرار بدهد چون بی‌شک برای گردآوری آن وقت گذاشته است.

۱۰. با پاورپوینت بازی کنید. با استفاده از اکشن‌ها و لینک‌ها می‌توانید بازی‌های زیادی طراحی کنید. منو سازی کنید و بیننده را به تعامل بکشانید.

۱۱. با انواع خروجی‌های پاورپوینت ۲۰۱۰ آشنا شوید. این خروجی‌ها بسیار مفید هستند و می‌توانند شما را در تهیه‌ی اسلایدهای آماده برای سایر نرم‌افزارها آماده کنند.

۱۲. بهتر است بدانید که کلیه‌ی متن‌های تایپ شده در پاورپوینت ۲۰۱۰ قابلیت ذخیره شدن با پسوند png را دارند. در این نوع ذخیره‌سازی شما به آسانی می‌توانید متن را بدون هیچ پس‌زمینه‌ی اضافی روی عکس‌ها یا فیلم‌ها یا داخل نرم‌افزارهای فارسی شده درج کنید.

۱۳. در پایان بهتر است مجموعه‌ی پاورپوینت را زیاد سلوغ نکنید و آن را مختصر و مفید و قابل استفاده در لابه‌لای سخن‌رانی یا تدریس خود طراحی کنید.

## ۱۳ نکته‌ای که در استفاده‌ی اثربخش از پاورپوینت باید در نظر داشت

می‌گویند با پاورپوینت! یک بچه‌ی کلاس سوم می‌تواند پاورپوینت درست کند. اصلاً این روزها هر کسی می‌خواهد حرفی بزند یک پاورپوینت درست می‌کند و سخن‌رانی کسالت‌بارش را کسالت‌بارتر می‌کند.

چرا این موضوع در میان معلمان رایج شده است؟ چرا این روزها همه به دنبال نرم‌افزارهای پیچیده هستند و چرا جشنواره‌ی تولید محتوای الکترونیک شرکت با پاورپوینت را برای معلمان ممنوع کرده است؟

پاورپوینت دوست معلمان است. دوست بچه‌ها، دوست مدیران، دوست سخن‌رانان و دوست همه! پاورپوینت برای شما همه کار می‌کند. متن شما را زیبا و رنگی می‌کند. بی‌دغدغه متن شما را انیمیشنی می‌کند. اگر مخاطب شما کودک باشد قالب خود را صورتی یا آبی می‌کند و اگر مخاطبان بزرگسال باشند قالب را توسی یا مشکی رنگ می‌کند. هر تصویری با هر پسوندی را می‌شناسد. با یک تغییر پسوند ساده صداهای شما را لود می‌کند و هرگز هم خطا نمی‌کند. در نمونه‌های اخیر هم به‌طور خودکار هر زمان سیستم شما قفل کند، آخرین دستاورد شما را ذخیره و در بازگشایی مجدد، نرم‌افزار آن را برای شما باز می‌کند. فیلم‌ها را برای شما لینک می‌کند و از همه مهم‌تر... زبان شیرین پارسی ما را دوست دارد و نیازی به فارسی‌ساز ندارد!

اما در پاورپوینت بعضی چیزها باید رعایت شود تا زیبایی و جذابیت داشته باشد:

۱. دقت داشته باشید پاورپوینت شما در چه مکانی نمایش داده می‌شود. اگر قرار است روی دیوار آن را نشان بدهید رنگ روشن برای پس‌زمینه مناسب نیست و اگر قرار است در یک سالن بزرگ و مجهز نمایش بدهید، باید رنگ تیره را انتخاب کنید.

۲. در انتخاب نوع و رنگ فونت‌ها نهایت سلیقه را به خرج بدهید. حروف بسیار زیادی در رایانه وجود دارد که می‌تواند به رفع یک‌نواختی پاورپوینت شما کمک کند.

رنگ فونت و پس‌زمینه نباید در تناقض باشد تا خواننده شدن متن آسان‌تر شود. تجربه نشان داده است که پس‌زمینه‌ی تاریک و متن درشت و روشن بسیار جذاب است.

۳. سخن‌ران یا معلم باید بداند که پاورپوینت برای نمایش همان اطلاعات موجود در کتاب نیست. پاورپوینت باید چیزی جامع‌تر و فراتر از کتاب یا جزوه و حتماً متشکل از تصاویر مرتبط با موضوع باشد.

۴. وجود انیمیشن‌های زیاد، روند حرکت پاورپوینت را کند می‌کند. بهتر است پاورپوینت با انواع تصاویر و موضوعات مرتبط آراسته شود نه با افکت‌های کند متنی.

۵. بهتر است در مواقعی که نیازی به کنترل حرکات پاورپوینت ندارید، حرکات را از قید کلیک موش‌واره رها کرده و به آن‌ها ترتیب و زمان بدهید. این کار شما را از مراجعه مداوم به رایانه آزاد می‌کند و شما وقت بیشتری برای برقراری ارتباط با مخاطب دارید.

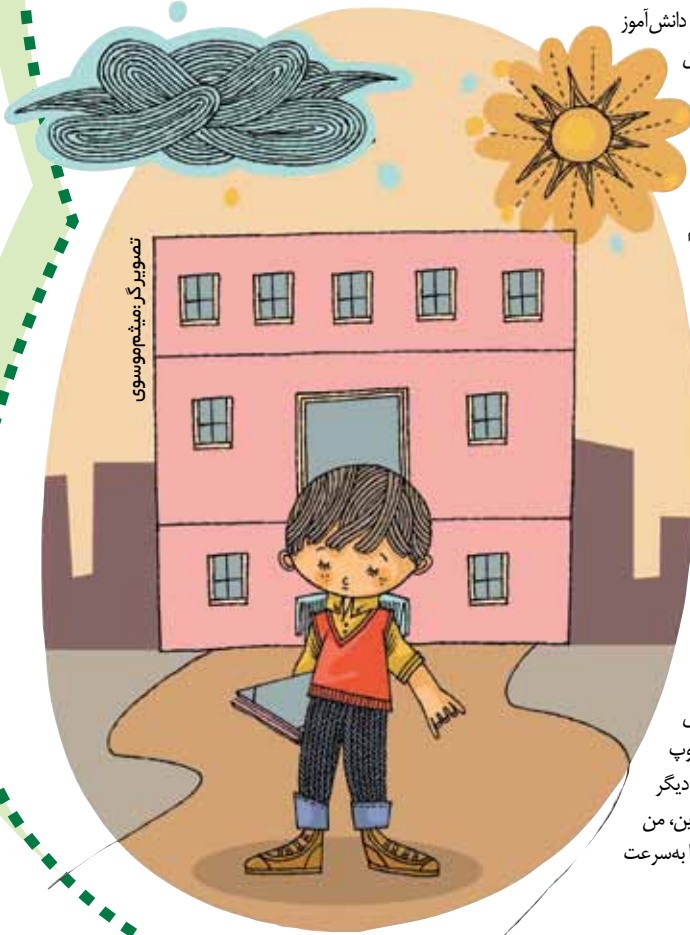
۶. اگر قرار است عکسی در پاورپوینت استفاده کنید، عکس مناسب با توضیحات انتخاب کنید. مثلاً اگر قرار است راجع به



# اول دقت، سپس درمان!

در طول خدمت در پست‌های مختلف از جمله آموزگاری چندپایه تا مدیریت، معاونت و مربی پرورشی و دبیری و آموزگاری فعالیت کرده‌ام و اینک سه سال است که در مرکز اختلالات یادگیری مشغول به خدمت در پست مربی درمانگر هستم. در یکی از روزهای اواخر دی‌ماه ۱۳۸۹ که تازه دوره‌ی اختلالات یادگیری را نزد مدیر مرکز گذرانده بودم، یک دانش‌آموز

پایه‌ی اول به نام **نوید** (در این متن نام اصلی دانش‌آموز عوض شده است) از طریق مدرسه و برای تشخیص و درمان به مرکز معرفی شد. بعد از تست و ارزیابی‌های اولیه و مصاحبه‌ی بالینی با مادر نوید به درمان وی پرداختیم. در ادامه یک روز که مشغول املا گفتن به نوید بودم، متوجه شدم که فاصله‌اش با دقتش خیلی کم است و با حالت پنهان کاری می‌نویسد. دستم را جلو بردم که فاصله‌ی نوید با دقتش را تنظیم کنم که دستم به جای خالی انگشتان دست او خورد و ناگهان متوجه شدم سه تا از انگشتانش قطع شده است. در آن موقع بود که به خود آمدم و گفتم: «منی که می‌خواهم دقت و توجه را در نوید بالا ببرم، چه‌طور بعد از پنج جلسه متوجه این موضوع نشده‌ام.» بعد از کلی سرزنش خود، تازه فهمیدم که مشکل او چیست. علت قطع شدن انگشتانش را هم از خودش جویا شدم. او گفت که در کودکی انگشت‌هایش لای در آسانسور مانده و قطع شده است. وقتی موضوع را با مادر او در میان گذاشتم، بعد از تأیید حرف‌های نوید گفتم: «گمان نمی‌کردم در درس این مشکل تأثیر داشته باشد.» خلاصه ضمن مشاوره با نوید، فهمیدم که او همیشه در فکر آن است که دست چپ خود را طوری مخفی کند که دیگران متوجه آن نشوند. برای همین، با بچه‌ها در مدرسه بازی نمی‌کند، با هم کلاسی‌هایش نمی‌جوشد و در زنگ‌های تفریح هم در گوشه‌ی حیاط می‌ایستد و دست چپش را در جیبش می‌گذارد و فقط به دیگران نگاه می‌کند. در ادامه، طریقه‌ی درمان را عوض کردم و او را در گروه سه نفره جا دادم و ضمن صحبت و مشاوره به او گفتم که چون معلولیت در دست چپش است، در خواندن و نوشتن مشکلی برایش به‌وجود نخواهد آمد و مانعی در پیشرفت درسی او ایجاد نمی‌شود. هم‌چنین طی درمان سعی می‌کردم با تمرین‌هایی او را به استفاده هرچه بیشتر از دست چپش وادار کنم؛ تمرین‌هایی مثل پرتاب کردن توپ و بازی با توپ در گروه بچه‌ها. نوید بعد از پنج جلسه در املا و خواندن پیشرفت کرد و دیگر دست چپ خود را در جیبش مخفی نمی‌کرد تا از مرکز ترخیص شد. امیدوارم بعد از این، من و دیگر آموزگاران آن‌قدر به دانش‌آموزان خود توجه داشته باشیم که چنین مشکلاتی را به‌سرعت شناسایی و درمان کنیم.



تصویرنگار: مهشام موسوی

## انار شب یلدا با طعم لبو!

لیکنده‌های کلاسی

سبده محبوبه مهدوی

آموزگار دبستان المهدی، سپاهان شهر اصفهان



هفته‌ی آخر آذرماه بود. بچه‌ها قرار گذاشته بودند که در زنگ هنر با رنگ‌های گیاهی که در خانه با کمک مادرشان درست کرده بودند، به مناسبت شب یلدا نقاشی بکشند. وقتی شروع به کار کردند، محمد گفت: «خانم اجازه، علی کمی از رنگ خود را خورد!» من با تعجب پرسیدم: «علی‌جان چرا این کار را کردی؟» او با خنده گفت: «می‌خواستم ببینم انار شب یلدا چه مزه‌ای دارد. ترش است یا شیرین؟»

# دوچرخه‌ی احمد

فاطمه رضایی

آموزگار پایه‌ی چهارم دبستان شهید علیزاده، ناحیه‌ی صنعتی بندر ماهشهر

دانش‌آموزی داشتم که در کلاس تمرکز کمی داشت. یک روز در زنگ ریاضی متوجه شدم که باز هم حواسش جمع نیست. او را به دفتر مدرسه بردم و در مورد این که چرا بی‌دقت است و حواس بقیه را پرت می‌کند، صحبت کردم. بعد از این که مطمئن شدم متوجه ابعاد قضیه شده است، با هم به کلاس آمدیم و من مشغول خواندن مسئله شدم. گفتم: «احمد با دوچرخه از رشت به طرف لاهیجان حرکت کرد. او بار اول ۱۵ کیلومتر، بار دوم ۲۵ کیلومتر و نوبت سوم ۴۵ کیلومتر حرکت کرد. احمد روی هم چند کیلومتر رفته است؟» ناگهان همین دانش‌آموز بدون توجه به کلاس گفت: «خانم، دوچرخه‌ی احمد چه قدر باد داشت!»



## باز هم چالشی به نام عدم شناخت

میترا زمانی

کارشناس تکنولوژی آموزشی و آموزگار دبستان ۲۲ بهمن تهرانسر

اوایل خدمت در آموزش و پرورش، در منطقه‌ی کهریزک مشغول انجام وظیفه بودم. چند روزی از آغاز سال تحصیلی می‌گذشت که به زنگ هنر و نقاشی رسیدیم. از دانش‌آموزان کلاس درخواست کردم که دفترهای نقاشی‌شان را روی میز بگذارند و تصویر یک دست خود را روی آن بکشند. انگشتان خود را هم مانند اعضای خانواده نشان دهند. چند دقیقه‌ای گذشت. در کلاس به راه افتادم تا نمونه کارهای دانش‌آموزانم را ببینم. بچه‌ها با تشویق و ترغیب من به کارشان ادامه می‌دادند تا این که به میز سعید رسیدم. - پسر، چرا چهار انگشت کشیده‌ای؟ بعد هم صدایم را کمی بلندتر کردم و گفتم: «همه‌ی کارها را باید به شوخی بگیری که...» سعید آرام دستان کوچکش را روی تصویر نقاشی شده‌اش گذاشت و من تازه فهمیدم که او فقط چهار انگشت دارد. قلبم شروع به تپیدن کرد. خدایا! نزدیک یک‌هفته از آغاز سال تحصیلی می‌گذشت و من از وضعیت جسمانی و فیزیکی دانش‌آموز کلاس بی‌اطلاع بودم. آرام دستی به سرش کشیدم و دستان کوچکش را روی دستم گذاشتم و بوسیدم. گفتم: «پسر، چه دستان قشنگی داری!» بعد از دیدار با مادرش و بررسی پرونده‌ی پزشکی او فهمیدم که او کیستی هم در سرش دارد. از آن سال به بعد، در همان آغازین روزهای سال تحصیلی به‌طور محرمانه برگه‌ای تهیه و از اولیای دانش‌آموزانم می‌خواهم که وضعیت جسمانی و رفتاری خاص و مشکلات خانوادگی (اعم از جدایی والدین، یا ناسازگاری والدین) را گزارش کنند. با مطالعه‌ی دقیق این اطلاعات توانایی‌های فردی هر شخص را در نظر می‌گیرم و از قضاوت و پیش‌داوری نابه‌جا پرهیز می‌کنم.



# جشن دانایی

عکس یادگاری



شرح عکس: عکس یادگاری مینا طبری، آموزگار دبستان خدام از ناحیه‌ی

# داورِ کر

شهبین صادقی

آموزگار دبستان ستاره‌ی نبوت، آبادان

داستان‌های مهرگان

روز گرمی بود. بچه‌ها خسته و عرق‌ریزان از گرما و شاد و سرحال از زنگ ورزش، به کلاس برگشتند. آن‌ها را به سکوت و آرامش دعوت کردم، گفتم: «دوست دارید چه ورزشی را ادامه دهید؟ چرا؟ در چند سطر بنویسید.» آن‌ها با آه و ناله و غرغر شروع کردند به نوشتن. حدود ۱۵ دقیقه بعد درخواست کردم که نوشته‌ها را تحویل دهند. هر کس نظری داشت. درباره‌ی شنا، جیم‌لاستیک، جیم‌ناستیک (ژیمناستیک)، اسب‌سواری (سوارکاری)، من‌میتون (بدمیتون)، فودبال (فوتبال) و... نوشته بودند. می‌خواندم و حرص می‌خوردم از غلط‌های شنیداری و نوشتاری. برگه‌ها را در کیف گذاشتم که مهرگان آمد؛ دست‌ها را زیر چانه زد و آرنج‌ها را روی میز گذاشت. با دهان بی‌دندان گفت: «خانم اجازه! من درباره‌ی فودبال (فوتبال) نوشتم. شما فودبال دوست داری؟» به نشانه‌ی نفی سرم را تکان دادم. ادامه داد: «قرمزته یا آبیته؟» گونه‌اش را قلقلک دادم: «نه قرمز، نه آبی، فقط زرد طلایی! آبادان برزبلته!» همه متوجه کل کل ما شدند. دوباره ادامه داد: «خانم اجازه! دیشب که «نود» نگاه می‌کردم، اتفاق عجیبی افتاده بود.» آهی کشیدم و ادامه دادم: «چه اتفاقی؟ نگران شدم، بگو!» پاسخ داد: «خانم اجازه! داور وسط کر بود!» جا خوردم! از تعجب چشمانم گرد شد. با اعتماد به نفس کامل و قیافه‌ی جدی گفته‌ی خود را تکرار کرد. کلاس آرام شد. پرسیدم: «از کجا مطمئنی؟»







دو ساری به مدیریت خانم بزآز با دانش آموزان و اولیای آن‌ها در جشن دانایی



خنده‌کنان جواب داد: «خوب معلومه، توی گوش سمت راست داور یک گوشی سیاه‌رنگ بود مثل گوشی بابابزرگم. پس داور کر بود!» بینی او را گرفتیم و گفتیم: «آهان! حالا فهمیدم... منو ترسوندی...» مهرگان با خنده گفت: «حالا بگو دیگه... قرمز ته یا آبیته؟» زنگ به صدا درآمد. بچه‌ها فرصت ندادند. کلاس ترکیب:  
 «نه قرمز، نه آبی، فقط زرد طلایی. آبادان برزیلته، آبادان برزیلته...»  
 بعد هم کف‌زنان و خوش‌حال از کلاس بیرون رفتند.

تصویرگر: فربیا بندی

# روز بهشت در میان فرشته‌ها

نسرین احمدی زرنندی

آموزگار پایه‌ی اول دبستان شهدای منطقه‌ی پنج تهران

سوق دادن فراگیرندگان به کسب کرامت‌های اخلاقی و رسیدن به مهارت‌های زندگی از اهداف متعالی تربیتی و در ارتباط با دست‌یابی به چشم‌اندازهای ترسیم شده در سند ملی آموزش و پرورش ایران است. باتوجه به تمایل دانش‌آموزان، روزی را در ایام هفته (که ترجیحاً در وسط هفته است) انتخاب می‌کنیم و در آن روز واحدهای عملی «طرح کرامت» و «مهارت‌های زندگی» را به اجرا درمی‌آوریم. در این برنامه که آن را روز بهشت نامیده‌ایم، به‌صورت عملی و نیز غیرمستقیم، دانش‌آموزان را به رفتارهای پسندیده از جمله نوع دوستی، مهربانی، نظم فردی و جمعی، دوری کردن از بیان الفاظ ناشایست و دوری از نامهربانی دعوت می‌کنیم.

همچنین، آن‌ها را به سازگاری اجتماعی با دوستان خود و کمک رساندن به هم‌کلاسی‌ها و کسب فضایل اخلاقی فرا می‌خوانیم. در پایان همان روز هم با هماهنگی قبلی و بنابر تمایلی که خود اولیا نشان می‌دهند، از دانش‌آموزان به مثابه فرشته‌های کوچک کلاس، با یک خوراکی یا شیرینی ساده پذیرایی می‌کنیم. گفتنی است پذیرایی هر روز به‌وسیله‌ی یکی از دانش‌آموزان انجام

می‌گیرد. در واقع با این روش ساده، سعی می‌کنیم دانش‌آموزان را به این باور برسانیم که فرشته‌ها ناظر بر اعمال ما هستند و مهربانی‌ها و رفتارهای پسندیده‌ی ما و نیز رفتارهای ناپسندی که آن‌ها را ترک می‌کنیم، به‌دست آن‌ها ثبت می‌شود. این کار روشی است برای درونی شدن رفتارهای خوب در بچه‌ها و ترغیب آنان به این رفتارها. امیدوارم در تربیت دانش‌آموزانی مقید به ارزش‌های اخلاقی - اسلامی موفق باشیم.



نظر شما  
درباره‌ی این تجربه چیست؟  
آیا آن را می‌پسندید؟ اگر بخواهید  
این تجربه را در کلاس خود اجرا  
کنید، چه می‌کنید؟

مریم ابراهیمی

آموزگار دبستان پروین اعتصامی، منطقه‌ی ۱۳ تهران

## جعبه‌ی خاطرات

روزی از دانش‌آموزان خواستم خاطره‌ای از تابستان یا سال گذشته بنویسند و به کلاس بیاورند. روز بعد تعدادی از دانش‌آموزان خاطره‌های خوب خود را به کلاس آوردند. همه منتظر بودند تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد و من برای چه از آن‌ها خواسته‌ام این کار را انجام دهند. در همین وقت بود که از داخل کیسه‌ای، جعبه‌ای را بیرون آوردم. جعبه را تزئین کرده و روی آن با خط درشت نوشته بودم: «جعبه‌ی خاطرات». بچه‌ها با دیدن جعبه تعجب کردند و پرسیدند: «خانم این چیست؟» گفتم: «این جعبه‌ی خاطرات امسال شماست که هر روز خاطرات خوب خود را می‌نویسید و داخل آن می‌اندازید تا در فرصت مناسب آن‌ها را برایتان بخوانم.» به این ترتیب، هر روز دانش‌آموزان خاطره‌های خوب خود را می‌نوشتند و با خود به کلاس می‌آوردند تا داخل جعبه بیندازند. آن‌ها از این کار خیلی لذت می‌بردند.

# ضبط روان خوانی

کامل خسروی

آموزگار پایه‌ی دوم دبستان شهیدسیفی، بوکان

از دانش‌آموزان خود خواستم قسمت‌هایی از درس فارسی را انتخاب کنند و به‌دقت بخوانند. همچنین بعد، صدای خود را روی گوشی‌های تلفن همراه والدین خود ضبط کنند و با دقت به آن گوش دهند. در عین حال به جملات کتاب نگاه کنند و روی واژه‌هایی که مشکل دارند و یا به‌راحتی نمی‌توانند آن‌ها را بخوانند، تأمل کنند. همین‌طور در صورت لزوم چند بار صدای ضبط شده را پاک کرده و دوباره اقدام به روان خوانی و ضبط مجدد کنند.

این فعالیت بیشتر برای دانش‌آموزان پایه‌ی دوم مفید است اما می‌توان برای تقویت تندخوانی در پایه‌های بالاتر نیز از آن استفاده کرد.

از مهم‌ترین محاسن این فعالیت می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- \* به دلیل این که جنبه‌ی بازی دارد و بازی هم بهترین راه برای یادگیری است و خیلی خوب در ذهن بچه‌ها نقش می‌بندد، از طرف آنان مورد توجه قرار می‌گیرد.
- \* بچه‌ها با شنیدن صدای خود خوشحال می‌شوند و درصدد رفع مشکلات خود برمی‌آیند.
- \* آن‌ها برای این که بتوانند صدای یک‌نواخت و روخوانی زیبایی ارائه دهند.
- \* چندین بار با اشتیاق تمرین می‌کنند و روان خوانی‌شان تقویت می‌شود.
- \* بچه‌ها هنگامی که کلمات کتاب را نگاه می‌کنند و صدای خود را می‌شنوند، خودشان را به‌عنوان معلم در نظر می‌گیرند و از این که آموزش دهنده‌ی خود هستند، احساس رضایت می‌کنند و یادگیری بهتر صورت می‌گیرد.

فعالیتی برای تقویت روان خوانی و تندخوانی در پایه‌ی دوم ابتدایی



## انشای پارچه‌ای

زهرا نصیرزاد

دبستان غیردولتی سجادیه، تهران

**هدف:** ایجاد شوق و علاقه در بچه‌ها برای نوشتن انشا، همبازی و مشارکت برای اجرای این هدف.

«اگر آموزش ما همراه با انگیزه و هدف باشد، بچه‌ها با علاقه و اشتیاق بیشتری

همکاری می‌کنند.»

در طول یک‌سال که به خانه‌ی دوستان و آشنایان می‌رفتم، از آن‌ها می‌خواستم پارچه‌ای که طرح‌هایی از طبیعت یا شخصیت‌های کارتونی دارد در اختیار من بگذارند. یا به خیاطی‌ها سر می‌زدم و تکه‌های پارچه‌هایی را که مدنظرم بود، می‌گرفتم. هم‌چنین در طول سال به بچه‌ها می‌گفتم هر کس پارچه‌ی طرح‌دار دارد، بیاورد. البته کنجکاوی بچه‌ها در این مورد بسیار جالب توجه بود. مدتی که از سال تحصیلی گذشت و بچه‌ها پارچه‌ها را آوردند در رنگ انشا برای تنوع و تشویق به آشنائوبسی، پارچه‌ها را در اختیار آن‌ها قرار دادم. دانش‌آموزان با استفاده از طرح پارچه‌ی انتخابی خود که آن را روی کاغذ روزنامه‌ی دیواری چسبانده بودند، داستانی را که در ذهنشان نقش بسته بود، به نگارش درمی‌آوردند.





یک روش آموزشی، به قلم آموزگار از زبان بچه‌ها

# مسئله‌بازی!

سعیده اصلاحي

آموزگار مدرسه‌ی شهید محراب مدنی، منطقه‌ی ۱۵ تهران

روزهای سه‌شنبه و درس «ریاضی» را هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم. در این روز ما «مسئله‌بازی» داشتیم؛ یعنی خانم معلم از ما می‌خواست به موضوعات مورد علاقه‌مان فکر کنیم و راجع به آن‌ها مسئله‌ی جمع یا تفریق بسازیم. بعد به نوبت صدایمان می‌کرد تا مسئله‌ای را که در ذهن‌مان ساخته‌ایم، با جملات ساده روی تخته بنویسیم و حل کنیم. ما این ساعت را خیلی دوست داشتیم. بعضی اوقات مسئله‌های خنده‌دار می‌ساختیم و از حل کردن آن‌ها لذت می‌بردیم. این روش محاسن زیادی داشت. مهم‌ترینش این بود که ما با روش آموزش در حین بازی، مهارت حل مسئله را به‌صورت مفهومی و عمیق یاد می‌گرفتیم و دیگر مسئله‌های ریاضی برایمان سخت و پیچیده جلوه نمی‌کرد. یکی از همین سه‌شنبه‌های دوست‌داشتنی، خانم معلم وقتی



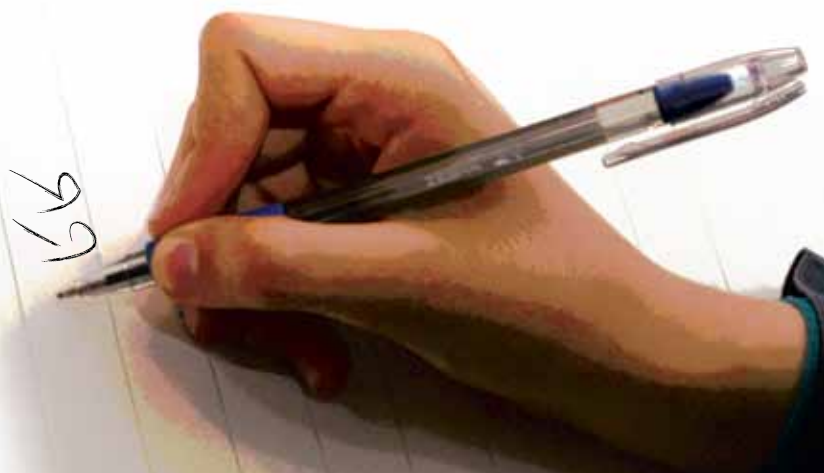
# کاکا، همان برادر است!

گوهر امیری‌نژاد

آموزگار دبستان شهید عسکری بانوج، داراب فارس

سر کلاس اول، تازه حرف «ر» را آموزش داده بودم. به دانش‌آموزان گفتم: «بچه‌ها، کلمه‌های «مادر و برادر» را که دوست دارید، امروز یاد می‌گیرید.» بعد از درس، سرمشق دادم. بچه‌ها مثل همیشه دور میز جمع شده بودند و من دور کلمه‌های تازه را خط می‌کشیدم و می‌گفتم بخوانند. دور کلمه‌ی برادر خط کشیدم و به یکی از بچه‌ها گفتم: «بخوان». با عجله گفت: «کاکا». خنده‌ام گرفت و فوری به دیگری گفتم: «تو بخوان». او هم گفت: «داداش» و حسابی با بچه‌ها خندیدیم.

پنجده‌های کلاسی



«زودباش دیگه، آسونه که... سوزانه بخون... سوزانه بگو...»  
 اما او اخم کرده بود و جواب نمی‌داد. خانم بلند شد و دستی به سر سوزانه کشید و گفت: «خانم گل، نمی‌خواهی حل کنی؟ می‌شه بگی چرا؟ بلد نیستی یا هول شدی؟»  
 سوزانه سر بلند کرد و با قاطعیت گفت: «اجازه، این مسئله رو دوست ندارم... حلش نمی‌کنم.»  
 بچه‌ها و خانم معلم تقریباً یک‌صدا گفتند: «چرا دوست نداری؟» و سوزانه با اخم به زهرا نگاه کرد و گفت: «واسه این که گل چین از پارک، کار خوبی نیست.» خانم معلم لیخندی زد و گونه‌ی سوزانه را بوسید و رو به بچه‌ها گفت: «احسنت به دختر گلم که این همه به مفهوم این مسئله دقت کرده. این خیلی جالبه که دختری گل من، فقط به حل مسئله فکر نمی‌کنن بلکه به مثبت و منفی بودن اون هم توجه دارن. خوب حالا از زهرا خانم خواهش می‌کنم مسئله رو تغییر بده و دوباره بنویسه.»  
 زهرا سرش را خاراند و بریده‌بریده گفت: «من رقتم پارک... سه گل اطلسی بنفش و دو گل اطلسی زرد دیدم. من چند گل اطلسی دیدم؟»  
 او عبارت مسئله را نوشت و سوزانه این بار لیخند بر لب شروع به توضیح و حل مسئله کرد.  
 از آن روز به بعد ما سعی کردیم به جنبه‌های دیگر مسئله هم فکر کنیم تا در حل مسئله‌های بزرگ زندگی مان هم به مهارت برسیم.

که دید تعداد داوطلبان حل مسئله زیاد شده و به‌خاطر کمبود وقت ممکن است به تعداد اندکی نوبت برسد، ابتکاری به‌خرج داد و از دو دانش‌آموز دعوت کرد تا برای حل اشتراکی مسئله‌ی خود، روی سکو بروند.  
**سوزانه و زهرا** انتخاب شدند. قرار شد زهرا مسئله را طرح و سوزانه آن را حل کند. طبق روال همیشه، زهرا مسئله‌اش را به‌صورت شفاهی تعریف کرد: «اجازه خانم، ما رفتیم توی پارک، گل‌های اطلسی را دیدیم. بعد سه تا اطلسی بنفش چیدیم و دو تا اطلسی زرد. حالا می‌خواهیم ببینیم چندتا گل چیدیم؟» بعد تکه‌ای گچ برداشت و شروع کرد به نوشتن عبارت‌ها:  
 - من در پارک گل‌های اطلسی را دیدم.  
 - سه گل بنفش و دو گل زرد چیدم.  
 - من چند گل از پارک چیدم؟  
 حالا نوبت سوزانه بود که مسئله را بلند بخواند، راه‌حل را بگوید و پس از تأیید خانم معلم آن را بنویسد. اما سوزانه، نه مسئله را خواند و نه راه‌حل را توضیح داد. خانم معلم با لیخند همیشگی گفت: «سوزانه‌جون می‌دونم که هم خونند بلدی هم حل کردن... ما منتظریم... زود باش.»  
 مکث سوزانه طول کشید و سرش را بلند نکرد... کم‌کم صدای اعتراض بچه‌ها بلند شد:

## سنگ‌های کپارود به دادم رسیدند

راضیه جمشیدی

دبستان شهید بخارا، روستای کهنه‌گوبه املش، گیلان



در یک روز سرد پاییزی، کنار دبستان روستا حسین جلوی مرا گرفت و دوباره گفت: «خانم معلم، اجازه! میشه امروز املا نگیرد.»  
 در جوابش گفتم: «باز هم که تکرار کردی، شما باید املا بنویسید...»  
 نگرانی عجیبی در چشمان پسرک بود. از نوشتن خوشش نمی‌آمد.  
 روزی برای گردش علمی و جمع‌آوری سنگ به کنار رودخانه‌ی کپارود در نزدیکی مدرسه رفتیم. ناگهان دیدم که حسین بچه‌ها را دور خود جمع کرده و با کمترین وسایل و به کمک سنگ‌ها روی زمین شکل خورشید را ساخته است. از همین ایده جرقه‌ای به ذهنم زد. به بچه‌ها گفتم هر کدام تعدادی سنگ‌ریزه به کلاس بیاورند. فردا و برای چندمین بار حسین خواست که املا نگویم. آن‌جا بود که گفتم دانش‌آموزان سنگ‌ها را روی میز بگذارند. به بچه‌ها گفتم می‌خواهیم با این سنگ‌ها املا بنویسیم. حسین وقتی این وضع را دید بسیار خوش‌حال شد. همه‌ی ما شروع به نوشتن جملات زیبا کردیم و آن‌جا بود که دیدم سنگ‌ها به دادم رسیدند. از آن هنگام بود که املا‌ی حسین هم خوب شد.



# ۲۰ کلمه بنویس ۲۰ امتیاز بگیر

## طاہرہ نصیری

آموزگار پایه‌ی پنجم دبستان شهید دستغیب، منطقه‌ی سه تهران

### ۲۰ جمع مکسر بنویسید (مفرد و جمع):

(ادب- آداب)، (اثر- آثار)، (امام- ائمه)، (جد- اجداد)، (حرف- حروف)، (عضو- اعضا)، (قاعده- قواعد)، (قرن- قرون)، (دین- ادیان)، (طرف- اطراف)، (افق- آفاق)، (علامت- علائم)، (عید- اعیاد)، (عمق- اعماق)، (منظره- مناظر) و...

### کلماتی بنویسید که اولش با «پیش» شروع شود:

پیش آمد- پیش گو- پیش داوری- پیش قدم- پیش گیری- پیش دستی- پیش خرید- پیش درآمد- پیش پرداخت و...

### کلماتی بنویسید که «گذار و گزار» داشته باشند:

گذار: قانون گذار- بنیان گذار- بنیادگذار- تخم گذار- علامت گذاری- شماره گذاری- نام گذاری- پایه گذاری- قیمت گذاری- ارزش گذار- سیاست گذار- نشانه گذار- فروگذار- تاجگذاری- بیمه گذار- گذرنامه- تأثیر گذار  
گزار: نماز گزار- شکر گزار- کار گزار- خدمت گزار- سیاست گزار- خبر گزار- وام گزار- خواب گزار- سرمایه گزار- مالیات گزار- خراج گزار- پیغام گزار- گزارش- گزاره

### ۲۰ کلمه بنویسید که اولش با «خوش» شروع شود:

خوش مزه- خوش بختی- خوش مرام- خوش سلیقه- خوش خوراک- خوش هیکل- خوش خبر- خوش اخلاق- خوش باور- خوش خیال- خوش رو- خوش زبان- خوش حال و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که اول، وسط و آخرش «ژ» به کار رفته باشد:

«ژ»: اول: ژاله- ژله- ژبان- ژاپن- ژولیده- ژنرال- ژیلت- ژن- ژست- ژیمناستیک و...

«ژ»: وسط: بیژن- اکسیژن- آلرژی- آنژین- منیژه- مژه- اورژانس- بلژیک و...

«ژ»: آخر: گزارژ- تیراژ- مترژ- ماساژ- شارژ- مولاژ- گوژ- پاساژ- رژ- تاژ و...

### ۲۰ کلمه‌ی هم‌نویسه بنویسید (از نظر املا یکسان ولی از لحاظ تلفظ و معنا متفاوت هستند):

(کشتی- کشتی)، (شم- شم)، (گل- گل)، (حسن- حُسن)، (شکر- شُکر)، (مرد- مُرد)، (پر- پُر)، (عالِم- عالم)، (شش- شِش)، و...  
همکاران گرمی می‌توانند از افعال- کلمات مرکب- هم‌خانواده- مترادف- متضاد- متشابه (هم‌آوا) و کلماتی که با (ها- ان- ات) جمع بسته می‌شوند و کلماتی که یک صدا و چند حرف دارند مانند: (ز- ذ- ض- ظ) و (ث- س- ص) و... استفاده کنند.

برای این که املا‌ی پای تخته را شیرین و اضطراب آن را کم کنه، بهتر دیدم بیشتر با کلمات مانوس و رفیق شوم تا کلمات بیشتر در ذهن‌ها جای بگیرند. به همین دلیل تخته را با توجه به موضوع املا به دو یا سه قسمت تقسیم می‌کنیم. داوطلبی پای تابلو می‌آید و با هدایت من و فعالیت دانش‌آموزان، ۲۰ کلمه می‌نویسد و ۲۰ امتیاز کسب می‌کند. چون همه‌ی بچه‌ها تلاش می‌کنند و آن چه را به‌خاطر می‌آورند، بیان می‌کنند؛ اکثر اوقات کلمات نوشته شده بیشتر از ۲۰ کلمه می‌شود. در این حال احساس شادی و لذت کلاس را فرامی‌گیرد، اعتماد به نفس بالا می‌رود و باعث تقویت املا، انشا و زبان‌آموزی می‌شود.

### ۲۰ کلمه بنویسید که تنوین دار باشند:

اولاً- ثانیاً- لطفاً- مخصوصاً- اتفاقاً- عمداً- دانماً- حقیقتاً- ذاتاً- مرتباً- مثلاً- واقفاً و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که آخرش «گر» داشته باشد:

رفتگر- سفالگر- مسگر- زرگر- برزگر- پژوهشگر- اشغالگر- غارتگر- جادوگر- افسونگر- کیمیاگر و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که «ال» در آن به کار رفته باشد:

فوق‌العاده- لوازم‌التحریر- نصف‌النهار- مسجدالحرام- سریع‌السير- کثیرالانتشار- مشترک‌المنافع- سیدالسادین- مال‌التجاره- قائم‌الزواجیه- متوازی‌الاضلاع- متساوی‌الساقین- مختلف‌الاضلاع- والفجر- جوادالائمه- مشعرالحرام و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که تشدید در آن به کار رفته باشد:

غذ- محمد- اما- قصه- تهیه- فعالیت- متوجه- جمعیت- بنا- قناد- مسمومیت- ملاحان و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که الف مقصوره داشته باشد:

کبری- صغری- مرتضی- مجتبی- عیسی- یحیی- کسری- حتی- تعالی- علی- الی- علی‌رغم و...

### ۲۰ کلمه بنویسید که در آن همزه به کار رفته باشد:

رای- رأس- جرأت- مأمور- تأثیر- تأسیس- متأسف- تالیفات- جزء- مؤدب- مؤثر- مؤاخذه- مؤمن- عزرائیل- لثیم- مطمئن- مسئولیت- جزئیات- توطئه- مائده- ناپلئون- تئاتر- پنگوئن و...

# شهر موزه‌ها

حمید دهقان



## دیدار از کاخ موزه‌ی چهلستون و سایر موزه‌های اصفهان

اشاره

بسیاری از کسانی که از شهر اصفهان دیدار کرده‌اند، می‌گویند اصفهان شهری است که با یک بار سفر کردن، نمی‌توان همه‌ی جاهای دیدنی، به‌ویژه موزه‌های آن را گشت و از شگفتی‌هایش لذت برد. حمید دهقان حاصل گشت‌وگذار خود در کاخ موزه‌ی چهلستون و برخی موزه‌های شهر اصفهان را در قالب گزارشی خواندنی تدوین کرده است که آن را در این شماره از سلسله مطالب میراث ما در حد صفحات مجله درج کرده‌ایم.

تاریخی در این موزه در بخش‌های کتابت، آثار لاک‌ی و روغنی، دست‌یافته‌ها و دوردوزی‌های سنتی، نگارگری، آثار فلزی، آبگینه و چینی، سفال و آثار چوبی به نمایش گذاشته شده است.

موزه‌ی جلفا حاوی آثاری است که از گذشته‌ی هنر و فرهنگ ایرانیان ارمنی حکایت دارد. این موزه در کلیسای تاریخی «وانک» جلفای اصفهان واقع شده است که حدود ۱۰۰ سال قدمت دارد.

حدود ۴۵۰ قطعه شیء ارزشمند از تصویرها و فرمان‌های پادشاهان تا عتیقه‌ها و تابلوهای نقاشی در موزه‌ی جلفا وجود دارد. کتاب‌های قانون‌های مذهبی و آسمانی و پزشکی و دست‌نویزبان نوشته شده در فاصله‌ی قرن‌های دهم تا نوزدهم میلادی و یک جلد قرآن خطی قرن ۱۸ میلادی به زبان ارمنی از جمله‌ی ۷۰۰ جلد کتاب خطی این موزه به‌شمار می‌آیند.

موزه‌ی هنرهای معاصر اصفهان در محل بنای تاریخی و زیبای خانه‌ی **مسعود میرزا** حاکم اصفهان در دوره‌ی قاجار قرار دارد.

از جمله آثار این موزه، حاشیه‌ی پرده‌ی کعبه،

مجسمه‌ی گوزن‌های مسی، علم

پولادی و پرده‌ی درویش را می‌توان

نام برد. در موزه‌ی هنرهای معاصر

اصفهان همواره نمایشگاه‌هایی از

آثار هنرمندان معاصر در رشته‌های

نقاشی، عکاسی، هنرهای سنتی و

تجسمی برپاست.

موزه‌ی تاریخی طبیعی هم از

جمله موزه‌های اصفهان است که

در کنار موزه‌ی هنرهای معاصر و

در بنای تاریخی تالار تیموری دایر

شده است.

نمونه‌هایی از میلیون‌ها سال

حیات گیاهی و جانوری در عرصه‌ی

خلقت از جمله گیاهان و جانوران

کمیاب و در حال انقراض، مجموعه‌ای کامل از جانوران

بی‌مهره و سنگواره‌هایی با قدمت ۵۰۰ میلیون سال از

آثار دیدنی موزه‌ی تاریخ طبیعی است.

هجری قمری، ظروف سفالینه و آبگینه‌ی سده‌های سوم تا یازدهم هجری قمری و ظروف چینی سفید و آبی - که به سفارش شاه عباس ساخته شده است - و قالیچه‌های زیبایی با طرح‌های محرابی قرن ۱۱ هجری و درهای چوبی منبت‌کاری و خاتم‌کاری شده‌ی آن زمان نگاه‌داری می‌شود.

نگاره‌های کاخ چهلستون همواره موجب حیرت و

شگفتی سفیران و جهان‌گردان کشورهای جهان بوده

است. جهان‌گرد معروف، **اوژن فلاندن**، درباره‌ی

نقاشی‌های چهلستون می‌گوید: «نقاشی‌های چهلستون

چنان جذاب است که انسان را تنبل می‌کند تا جایی که

هر کس علاقه می‌یابد چند ساعتی روی تخت لم‌بدهد

و آن‌ها را تماشا کند. می‌توان گفت این کاخ آن قدر

دل‌فریب است که اگر عاشقان بدان‌جا آیند، به کلی

معشوق خود را فراموش می‌کنند.»

### سایر موزه‌های اصفهان

موزه‌های هنرهای تزئینی، موزه‌ی جلفا، موزه‌ی

هنرهای معاصر و موزه‌ی تاریخ طبیعی از موزه‌های

پیشینه‌ی کاخ چهلستون اصفهان که در هشتم مهرماه سال ۱۳۳۷ خورشیدی به نام «موزه‌ی چهلستون اصفهان» گشایش یافت، به قبل از دوران صفوی می‌رسد. هسته‌ی نخستین باغ چهلستون کوشکی است که شاه عباس اول بنا کرده است و با یک تالار میانی و غرفه‌هایی در چهار گوشه چشم را می‌نوازد.

در زمان شاه عباس دوم ایوان‌هایی در دو طرف تالار و دو استخر در شرق و غرب آن احداث شد و دیوارهای تالار مرکزی با نقاشی‌های زیبایی زینت یافت.

کاخ چهلستون از سال ۱۰۵۷ هجری قمری به محل پذیرایی از پادشاهان و صاحب منصبان دولت‌های هم عصر صفوی و انجام تشریفات اختصاص یافت. این کاخ روزگار پرفراز و نشیبی را از سر گذرانده است؛ از جمله این‌که دچار آتش‌سوزی شده و آسیب‌های فراوانی دیده اما پس از بازسازی و مرمت در تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

کاخ موزه‌ی چهلستون شامل

تالار تشریفات، اتاق‌های شمالی

و جنوبی، ایوان آئینه و ایوان

ستون‌دار است. دلیل شهرت کاخ

به چهلستون را انعکاس تصویر

بیست‌ستون کاخ در استخر مقابل

آن نقل کرده‌اند.

دیوارنگاره‌های موزه‌ی

چهلستون از شاهکارهای تزئینات

معماری ایرانی با مضمون

صحنه‌های تاریخی از روابط دربار

صفوی با همسایگان شرقی،

صحنه‌هایی از جشن‌های شاهانه و

حضور رؤسا و نمایندگان کشورهای

خارجی است.

در موزه‌ی چهلستون آثار هنری ارزشمندی از

سده‌های پیش از اسلام تا سده‌ی ۱۴ هجری قمری

مانند نسخه‌های خطی نفیس مربوط به قرن چهارم



اصفهان به‌شمار می‌آیند.

موزه‌ی هنرهای تزئینی در سال ۱۳۷۵ در عمارت

تاریخی «رکیب‌خانه» تأسیس شد. بیش از چهار هزار اثر

# کلید آموزش خط فارسی و عربی چیست؟

ابوالفضل انوشه پور

مؤلف کتاب‌های درسی و کارشناس ارشد تعلیم و تربیت

**کلیدواژه‌ها:** خط، خط فارسی، خط عربی، کلید آموزش.

پ) ترکیب حروف با حرکات (ترکیب با مصوت‌ها)، به‌طور نمونه جدول شماره ۱ را ملاحظه کنید.  
ممکن است سؤال شود پس همزه چیست. پاسخ این است که همزه (ه) الف مجعد (پیچیده) است.  
چهار حرف از حروف الفبا دو نقش دارند: هم می‌توانند صامت یا باشند، هم مصوت و حرکت، هر یک از این حروف اگر در اول کلمه یا بخش باشد، صامت یا حرف است و اگر در دومین صدای بخش قرار گیرد، حتماً مصوت است. اصولاً صدای دوم بخش همیشه، مصوت کوتاه یا بلند است. همچنین هر بخش کلمه همیشه، با صامت شروع می‌شود و به جز صدای دوم بخش که مصوت است، بقیه‌ی حروف آن بخش، صامت خواهد بود.

بزرگ‌ترین اختراع بشر، خط است که مبدأ تاریخ او گردیده است و از عمر آن حداکثر ده تا پانزده هزار سال می‌گذرد. قبل از اختراع خط، بشر میلیون‌ها سال روی کره‌ی زمین زندگی می‌کرده، که مطابق آیه‌ی اول سوره‌ی «انسان»، چیز قابل‌ذکری از او باقی نمانده است:

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً

«مگر نه این است که مدت‌زمانی بر انسان گذشت که چیز قابل‌ذکری نبود».

خط نیز دوره‌ی تکامل خود را طی کرده و از مرحله‌ی تصویری به نیمه‌تصویری رسیده و بالاخره به شکل الفبایی امروز درآمده است. برای هر صورت زبان، رمزینهای قرار داد به نام «حرف» تعیین شده است که همانند نت در موسیقی است. سخن به وسیله‌ی حروف به رمز خطی درمی‌آید و کسی که به این رمز آشنا باشد، می‌تواند سخن گوینده را بنویسد یا نوشته‌ی او را بخواند.

آموزگار پایه‌ی اول دبستان این توفیق را دارد که چشم و گوش دانش‌آموزان خود را به این رموز و یا خط الفبایی زبان آشنا کند. دانش‌آموزان با تمرین و تکرار و کاربرد این آموخته‌ها، مهارت لازم را کسب می‌کنند. سال‌های بعد آموزگاران پایه‌های بالاتر، کار آموزگار پایه‌ی اول را ادامه می‌دهند تا دانش‌آموزان به ریزه‌کاری‌ها و قاعده‌ی خط تسلط و اشراف کامل را پیدا کنند. در نتیجه ضرورت دارد که در دوره‌ی آموزش عمومی (دوره‌ی دبستان و راهنمایی)، در ابتدای هر سال معلم پایه و یا دبیر ادبیات، حروف، حرکات و ترکیبات هر یک از حروف الفبا را با حرکات شش‌گانه دوباره یادآوری کند. این کار موجب موفقیت در خواندن کلمات فارسی، قرآن و نوشتن بهتر املا‌ی کلمات خواهد شد. در ادامه، مطالب مذکور به‌طور مختصر شرح داده می‌شود.  
الف) ۳۲ حرف الفبا: ا-ب-پ-ت-ث-ج-چ-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ژ-س-ش-ص-ض-ط-ظ-ع-ع-ع-غ-غ-غ-غ-ف-ف-ق-ق-ک-ک-گ-گ-ل-ل-م-م-ن-ن-و-ه-ه-ه-ی.

ملاحظه می‌شود که از این ۳۲ حرف، نه تایی آن یک شکل دارند، ۲۰ تا دو شکل و ۳ تا چهار شکلی هستند.

ب) حرکات شش‌گانه: اَ - اِ - اُ، آ، ای - یی ای، او و.

ت) ۱ الف } اَیر- اِداره- اُناتق- اَب- او  
داد- باد

ث) و } وارِد- جواد- گاو  
دارو- سوزن

ج- یی } یک- میدان- چای  
میز- بازی

چ- هه } به- کلاه  
خانه- میوه

الف (۱) نقش صامت یا همزه را دارد.  
الف (۱) نقش مصوت را دارد.

و، نقش صامت را دارد.  
و، نقش مصوت را دارد.

یی، نقش صامت را دارد.  
یی، نقش مصوت دارد.

هه، نقش صامت را دارد.  
هه، نقش مصوت را دارد.

جدول ۱

حرف/حرکت	اَ - اِ - اُ	اَ - اِ - اُ	اَ - اِ - اُ	اَ - اِ - اُ	اَ - اِ - اُ	اَ - اِ - اُ
و	وَ	وِ	وُ	وَو	وَو	وَو
یی	يَ	يِ	يُ	يِيه	يِيه	يِيه
هه	هَ	هِ	هُ	هَهه	هَهه	هَهه
او و	اَ	اِ	اُ	اَو	اَو	اَو
وو	وَ	وِ	وُ	وَو	وَو	وَو
یو	يَ	يِ	يُ	يِيه	يِيه	يِيه
هو	هَ	هِ	هُ	هَهه	هَهه	هَهه





الف (۱) اگر در اول کلمه یا بخش بیاید، نقش صامت همزه را دارد و اگر دومین صدای بخش یا کلمه باشد، حتماً مصوت خواهد بود.  
همزه (ء) یا الف (۱)، اولین حرف الفبا، پیچیدگی خاصی دارد. ترکیب این حرف را با حرکات شش گانه در جدول زیر ملاحظه می کنید. همزه (ء) هم به تنهایی می آید، هم به صورت الف (۱) ظاهر می شود و اغلب یکی از حروف (و - ا - ی) کرسی یا پایه‌ی آن قرار می گیرد.

حرف/ حرکت	ـَ	ـِ	ـُ	ـِ	ـِ	ی	و
ا	اَ	اِ	اُ	اِ	اِ	ای	او
ء	ءَ	ءِ	ءُ	ءِ	ءِ	ئی	ئو
ئ	ئَ	ئِ	ئُ	ئِ	ئی	ئو	

به چند کلمه‌ی روبه‌رو دقت کنید: رأوف- رءوف- رءوف- رءوف- رءوف  
شکل اول معمول نیست، شکل دوم رسم‌المصحف است و در قرآن می آید و دو شکل بعدی رسم‌الاملاست و در خط فارسی و عربی کاربرد دارد.  
خدایا چنان کن سرانجام کار  
تو خوشنود باشی و ما رستگار  
رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَ هَيِّءْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (سوره‌ی کهف - آیه‌ی ۱۰)  
«پروردگارا، ما را مورد لطف و رحمت خود قرار ده و موجبات رشد ما را فراهم کن.»

ملاحظه می کنید که همزه (ء) با هر یک از مصوت‌های کوتاه (ـَ، ـِ، ـُ) سه نوع ترکیب، با مصوت بلند (ـِ) پنج ترکیب، با مصوت بلند (ی) سه ترکیب و با مصوت بلند (و) چهار ترکیب دارد که بعضی رسم‌المصحف و فقط در قرآن می آید و بعضی رسم‌الاملاست که در خط معمول فارسی یا عربی از آن استفاده می شود.  
در نوشتن کلماتی که همزه (ء) دارند، با توجه به حرکت حرف قبل از همزه، یا حرکت خود همزه، قاعده‌ی زیر رعایت می گردد؛ هرچند این قاعده استثنا هم دارد و مطلق نیست. به جدول ۲ توجه کنید.

جدول ۲

اگر حرف قبل از همزه... باشد	پایه با کرسی همزه... می شود	مثال	ملاحظات
ـَ	أ	تألیف - تأکید	
ـُ	ؤ	مؤمن - سؤال	
ـِ	ئ	ذئب - بئر	
ـِ	أ یا ئ	مسأله - مسئله	حرکت همزه (ـِ) است.
ـِ	ؤو یا ئو	مسؤول - مسئول	حرکت همزه (و) است.

# روش آموزش مهارت‌های تفکر

بخش اول

## سرآغاز

با تصویب برنامه‌ی «تفکر و پژوهش» - یا بهتر بگوییم آموزش «مهارت‌های تفکر» به کودکان در پایه‌ی ششم - این سؤال پیش می‌آید که آیا دو واژه‌ی «تفکر» و «پژوهش» بر یک معنا دلالت دارند یا دو معنا؟ سؤال دیگری که به ذهن می‌رسد این است که مهارت‌های تفکر کدام‌اند و با چه روشی باید آموزش داده شوند.

اگرچه روش‌های گوناگونی برای آموزش تفکر به کودکان وجود دارد، آن‌چه اخیراً بیشتر بررسی شده است روش کندوکاو گروهی<sup>۱</sup> یا به عبارت دیگر شروع تدریس با گوش کردن به یک داستان یا ماجرای است که کودکان بتوانند به واسطه‌ی آن سوالات خود را مطرح کرده و سپس به منظور تمرین مهارت‌های تفکر، پیرامون آن سؤال‌ها و پاسخ‌های احتمالی و موقتی به آن‌ها بحث کنند. شواهد کافی وجود دارد که دانش‌آموزان با شرکت در بحث‌هایی که در آن تفکر به‌خوبی نمود پیدا می‌کند، یاد می‌گیرند که چه‌طور بهتر فکر کنند (برونر ۱۹۸۶؛ فورمن و کزدن ۱۹۸۵؛ ویگوتسکی ۱۹۶۲). دانش‌آموزان در ابتدا ممکن است نتوانند متناسب با سطح بحث، به‌تنهایی فکر کنند ولی به‌تدریج، توانش‌های فکری به‌کار رفته در بحث را در خود درونی می‌کنند. برای اینکه چنین فرایندی شکل گیرد، باید تفکر خوب را به‌صورتی قابل مشاهده در معرض دید قرار دهیم. در بیشتر کلاس‌ها - حتی در حین بحث - بهترین فکرها در معرض عموم قرار نمی‌گیرد و فقط در ذهن معلم انجام می‌شود و دانش‌آموزان صرفاً از نتایج این تفکر بهره می‌برند. هدایت مناسب بحث‌های کلاسی، تفکر خوب را نمایان و آشکار می‌سازد (دیلون ۱۹۹۴؛ شارپ و اسپلیتر ۱۹۹۵) و پروژه‌ی CAST<sup>۲</sup> (ادی ۲۰۰۱) از ماندگاری نتایج یادگیری دانش‌آموزان در این نوع بحث‌ها پشتیبانی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** کندوکاو گروهی، مهارت‌های تفکر، کندوکاو علمی، پژوهیدن.

## کندوکاو<sup>۳</sup> از کجا آمد؟

در پاسخ به مشکلات شناخته‌شده‌ی دانش‌آموزان در یادگیری، پژوهش‌های بسیاری برای روشن شدن چه‌گونگی یادگیری در دانش‌آموزان با سنین و سبک‌های شناختی گوناگون انجام شده است. این پژوهش‌ها به تقویت و تأیید چند نظریه‌ی عمومی درباره‌ی «یادگیری» به‌نام عمومی «**ساختن گرایی** / **سازندگی**»<sup>۴</sup> منجر شد که بیشترین امیدواری را در توضیح و تسهیل یادگیری به‌وجود می‌آورد. نظریه‌های ساختن گرایی می‌تواند تکامل‌یافته‌ی نظریه‌های شناختی و فراشناختی در نظر گرفت. این نوع نظریه‌ها ریشه در افکار جان دیویی، ژان پیاژه، لئو ویگوتسکی<sup>۵</sup> دارند و همه‌ی آن‌ها شامل چند اصل مهم‌اند:

۱. دانش تنها از طریق درگیری مستقیم یادگیرنده دریافت می‌شود؛ یعنی، دانش از طریق فعالیت یادگیرنده ساخته می‌شود و هرگز به شکل انفعالی کسب نمی‌شود؛
۲. دانش آموز جدید را از طریق تأمل<sup>۶</sup> و اصلاح ساختارهای قبلی دانش خود می‌سازد؛
۳. دانش امری شخصی است. مجموعه‌ای از تفاسیر، تجربه‌ها و مشاهدات فردی است که به‌وسیله‌ی مفاهیم قبلی و تعامل‌های اجتماعی شکل می‌گیرد؛
۴. یادگیری، تجربه یا پروژه‌ای اجتماعی است که در آن ایده‌های علمی به‌وسیله‌ی درمیان گذاشتن

مشاهدات، سخنان و افکار و ارزش‌یابی‌های اعضای گروه تعیین و ثابت می‌شوند.

در این نظریه‌ها، واقعیت عینی جهان بیرون، مستقل از یادگیری فرض شده و چنین تصویر نمی‌شود که یادگیرنده از راه یادگیری، نسخه‌ای از این جهان را به ذهن می‌سپارد بلکه یادگیرنده، دانش (مفاهیم، اصول، فرضیه‌ها، تداعی‌ها و...) را براساس تجارب شخصی خود می‌سازد و این کار را به‌طور فعال انجام می‌دهد. روش آموزشی که از نظریه‌ی سازندگی پشتیبانی می‌کند، روش کندوکاو نام دارد.

## کندوکاو چیست؟

پیاژه چنین فرض می‌کرد که یادگیری امری فردی است و در جریان کندوکاو چنانچه تجربه‌ی جدیدی، با درک فعلی شخص هم‌خوانی داشته باشد، به دانش قبلی فرد افزوده می‌شود ولی در زمان بروز ناهم‌خوانی، اطلاعات جدید یا بلافاصله رد می‌شوند یا این که شخص، درک قبلی خود را به‌نوعی بازسازی می‌کند که اطلاعات جدید نیز معنا و مفهوم داشته باشند (دونالدسون، ۱۹۷۸).

دیویی نیز اعلام می‌کند که «تجارب» مدرسه باید به دانش آموز کمک کند تا به‌جای کسب اطلاعات، روش پژوهش را بیاموزد و در مسیری گام بردارد که تولیدکننده‌ی دانش خویش باشد. او معتقد است انسان

از طریق فرایند کندوکاو به تفکر تأملی<sup>۷</sup>، یعنی همان بررسی فعال، مداوم و دقیق هر عقیده یا معرفت دست می‌یابد. دیویی فرایند کندوکاو را روش تدریس جامعی می‌داند که می‌تواند در یاددهی - یادگیری همه‌ی علوم از آن استفاده شود. به‌عقیده‌ی او، در هر یک از مراحل این فرایند ذهن، حواس، عواطف و به‌طور کلی مغز و دست یادگیرنده به‌طور فعال به‌کار گرفته می‌شود. اغلب کسانی که از فرایند کندوکاو در آموزش سخن گفته‌اند، به‌نوعی از نظریات دیویی الهام گرفته و از آن با عناوین دیگری مانند روش حل مسئله، استقرایی، تجربی، مفهومی، فرایندی، پرسشی، اکتشافی و نظایر آن نام برده‌اند. در این روش‌ها معمولاً شرایطی فراهم می‌شود تا یادگیرنده با موقعیتی نامعین و سؤال‌برانگیز مواجه شود و آن‌گاه با راهنمایی اندک از سوی معلم (تسهیلگر) و با تلاش فکری و عملی خویش، آن موقعیت نامعین را به شکلی معین و روشن درآورد و به‌عبارت دیگر، برای حل مسئله اقدام کند.

شارپ (۲۰۰۴) نیز می‌گوید: «اگر پیش‌فرض‌های ما در مورد تعلیم و تربیت درست باشد یعنی:

- اولویت تعلیم و تربیت آموزش مهارت‌های سطوح بالای تفکر باشد؛
- کلاس‌ها به روش کندوکاو گروهی اداره شوند؛
- همه‌ی دروس به روش کندوکاو آموزش داده شوند؛
- توجه کودکان را به پیش‌فرض‌های پایه در همه‌ی



چشواره‌ی عکس مهر

### چرا کندوکاو گروهی مطرح شد؟

ویگوتسکی (۱۹۶۲) با تأکید بر زندگی اجتماعی انسان و اعتقاد به این که «یادگیری جمعی پایه‌ی یادگیری فردی است» یادگیری را ابتدا امری اجتماعی می‌داند. برای بیان ادعای او می‌توانیم به شیوه‌های آموزش زبان توجه کنیم. همه‌ی انسان‌ها از بدو تولد توانایی یادگیری زبان را دارند ولی اگر در مراحل رشد خود، با هیچ زبانی مواجه نشوند، زبان یاد نمی‌گیرند یا ممکن است هرگز نتوانند موفق به یادگیری آن شوند. بنابراین، مهم است که از نظر زبانی در معرض جمع قرار بگیریم. بیشتر یادگیری‌های ما و حتی توانایی تفکر ما با همه‌ی پیچیدگی‌هایش به زبان بستگی دارد. بنابراین، عجیب نیست که در معرض جمع قرار گرفتن در بسیاری از یادگیری‌های دیگر نیز مهم باشد. بدیهی است وقتی توانایی‌های یادگیری از طریق جمع تثبیت شوند، یادگیری‌های فردی نیز خود محقق می‌شوند.

ویگوتسکی معتقد است که ما در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی خاص به کمک هم معانی را درک می‌کنیم. دانش‌آموزان از طریق کندوکاو گروهی می‌توانند مشخص کنند به چه چیز علاقه دارند تا سطح درک فعلی خود را به نمایش بگذارند. این امر به معلم به عنوان تسهیلگر امکان می‌دهد در «تأحیه‌ی تقریبی رشد» کار کند. ویگوتسکی ادعا می‌کند که هر یک از ما، در زمان خاص، سطح خاصی از توانایی را داریم؛ بدین معنا که می‌توانیم کارهای خاصی را به‌تنهایی انجام دهیم. فراتر از این سطح، کارهایی قرار دارند که نمی‌توانیم به‌تنهایی انجام دهیم ولی می‌توانیم به‌عنوان

- فرضیه‌سازی؛
  - آزمون فرضیه؛
  - کشف شواهدی که با فرضیه تناقض داشته باشد؛
  - بازنگری فرضیه به‌طوری که شواهد متناقض را هم دربرگیرد؛
  - به‌کارگیری فرضیه‌ی بازنگری شده در زندگی
- در واقع کودکان از طریق فرایند کندوکاو یاد می‌گیرند حاصل تجارب خود را با آنچه در زندگی برایشان روی می‌دهد یا آنچه انتظار دارند برایشان روی بدهد، پیوند بزنند. آن‌ها یاد می‌گیرند، توضیح دهند و پیش‌بینی کنند، علت و معلول، هدف و وسیله، و پیامدهای ناشی از آن‌ها را از یکدیگر شناسایی کنند. ممکن است زمانی این کندوکاو گروهی به یک قضاوت نهایی هم برسد ولی ما نباید آن را با توافق‌های موردی اشتباه کنیم. گاهی این توافق‌ها مانند استراحتگاه‌های میان راه هستند و جنبه‌ی نهایی ندارند. دیویی معتقد است توافق‌های به‌عمل آمده، به واسطه‌ی یک کندوکاو خاص بر سر یک موقعیت خاص ضامن آن نمی‌شود که این نتیجه‌ی توافق شده برای همیشه مورد توافق باقی بماند. دستیابی به باورهای توافق شده، پویا و در حال پیشرفت هستند و هیچ باوری نیست که آن قدر مورد توافق باشد که هیچ‌وقت موضوع کندوکاوهای بعدی قرار نگیرد. در کندوکاو علمی، ملاک مطلب توافق‌شده یا دانش علمی همان، مرجع محسوب شدن برای کندوکاوهای بعدی است و نه آن قدر توافق شده که موضوع مورد بررسی در کندوکاوهای بعدی نباشد (منطق: ۸-۹).

دروس جلب کنیم و کودکان را تشویق کنیم که به کندوکاو این پیش‌فرض‌ها بپردازند؛

● کودکان را تشویق کنیم تا هم‌زمان با زبان‌آموزی به کندوکاو بعد فلسفی زندگی روزمره‌ی خویش بپردازند؛

● خطاپذیری و تعهد به خود تصحیحی بخش مهمی از روش تفکر خوب و مستقل کودک و معلم را شکل بدهد؛

● هدف اصلی تعلیم و تربیت کمک به کودکان در بهتر قضاوت کردن/ انتخاب کردن/ تصمیم گرفتن باشد؛

آن‌گاه همه‌ی مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مانند، برنامه‌ی درسی، نقش معلم، هدف از نمره، کندوکاو فردی در مقابل کندوکاو گروهی، فعالیت‌های رقابتی در مدرسه، معماری مدارس و کلاس‌ها و اهداف کلی تعلیم و تربیت خود باید مورد بازنگری قرار گیرند. در ادامه می‌افزاید: «منظور ما از کندوکاو تمرینی خود تصحیح‌گر است که در آن یک موضوع درسی مورد تحقیق قرار می‌گیرد، به این منظور که برای مقابله با چیزی که مسئله‌زاست، راه‌هایی را کشف یا اختراع کنیم. کندوکاو اغلب وقتی آغاز می‌شود که مسئله‌ای بروز کند که قبلاً درست فرض می‌شده است. حاصل کندوکاو همان قضاوت ماست. ما می‌توانیم کندوکاو تاریخی، مذهبی، ریاضی، زیبایی‌شناسی، زبان‌شناختی، علمی و فلسفی داشته باشیم. هنگام اشاره به فرایند کندوکاو منظورمان این است:

- درک دشواری کار یا سرخوردگی (ناکامی، شکست)؛
- تردید؛
- بیان مسئله یا سؤال؛



عضوی از گروه، موفق به انجام دادن آن کارها شویم. او این منطقه را «ناحیه‌ی تقریبی رشد» می‌نامد. فراتر از این منطقه نیز چیزهایی است که حتی با کمک‌های دیگران نیز قادر به درک آن‌ها نیستیم. امروزه کمک‌های دیگران یا گروه را «داریستزنی» می‌نامند (برونر ۱۹۸۶). کاملاً ممکن است کاری را که هیچ‌یک از اعضای گروه قادر به انجام‌دادن آن نباشند بتوان با همکاری اعضای گروه انجام داد. وی روی ریشه‌های اجتماعی شناخت و اهمیت «ناحیه‌ی تقریبی رشد» تأکید می‌کند که در آن تعامل آگاهانه هم‌سالان نقش مهمی دارد. ویگوتسکی این ناحیه را به صورت تفاوت میان سطح واقعی ذهن کمک و سطحی که ممکن است کودک در حل مسائل به کمک دیگران به آن برسد، می‌داند. او به اولیا و معلمان توصیه می‌کند تا فعالیت‌های یادگیری را در ناحیه‌ی تقریبی رشد کودکان و کمی فراتر از سطح عملکرد مستقل آن‌ها نگاه دارند و کودکان را به چالش اندازند تا به فراتر از توانایی‌های شناختی خود دست یابند.

### کندوکاو علمی چیست؟

از نظر دیویی تفکر، تجربه و شناخت از طریق فرایند کندوکاو شکل می‌گیرد و روش تفکر، همان روش اساسی تجربه‌های تربیتی است. پس باید خصوصیات اساسی روش آموزش (یاددهی) با خصوصیات اساسی تفکر (یادگیری) همانند و یک‌سان باشد و چون جدا کردن تفکر از تجربه‌ی تربیتی بی‌معناست، بنابراین وی نخستین بار در کتاب «دموکراسی و تعلیم‌وتربیت» از فرایند کندوکاو به‌عنوان نظریه‌ی یاددهی - یادگیری سخن گفت (دیویی ۱۹۹۳). او فرایند تفکر را با فرایند شناخت، یادگیری و پژوهش، یکسان و هدف اصلی آن را مدلل ساختن عقیده‌ای با استفاده از شواهد، دلایل، استنباط و تعمیم می‌داند. به تعبیر دیگر، حل مسئله فرایند تفکری کندوکاوگونه است که هر مرحله از آن در مسیری تداوم می‌یابد که «تجربه» نامیده می‌شود. ما نیز به تبعیت از دیویی، وقتی از کندوکاو به‌عنوان فرایند یاددهی - یادگیری علوم یاد می‌کنیم، آن را کندوکاو علمی می‌نامیم.

کندوکاو علمی در واقع به راه‌هایی گفته می‌شود که دانشمندان به‌وسیله‌ی آن‌ها درباره‌ی دنیای مادی و طبیعی به مطالعه می‌پردازند و پدیده‌ها را براساس شواهد حاصل از کار خود توضیح می‌دهند. فرایند کندوکاو که گاهی تفکر علمی<sup>۴</sup> یا روش علمی<sup>۵</sup> یا روش حل مسئله<sup>۱۱</sup> نیز نامیده می‌شود، روشی منحصربه‌فرد با مجموعه‌ای از گام‌های مشخص و پشت‌سرهم نیست. کندوکاو علمی فرایند انعطاف‌پذیری برای سؤال کردن و پاسخ‌یابی به سؤال‌هایی درباره‌ی طبیعت است. یادگیری از طریق کندوکاو علمی برای دانش‌آموزان موقعیت‌هایی را فراهم می‌آورد تا آن‌ها با انجام دادن آزمایش، فرایندهایی را شکل دهند و از آن

۱. طبقه‌بندی؛
۲. برقراری ارتباط؛
۳. مشاهده و توصیف؛
۴. کار گروهی؛
۵. اندازه‌گیری؛
۶. پرسشگری؛
۷. به‌کارگیری اعداد؛
۸. فرضیه‌سازی؛
۹. استنباط؛
۱۰. پیش‌بینی؛
۱۱. کنترل متغیرها؛
۱۲. تفسیر داده‌ها؛
۱۳. ارائه مدل‌ها (مدل‌سازی)؛
۱۴. حل مسئله؛
۱۵. تجزیه و تحلیل؛
۱۶. طراحی آزمایش؛
۱۷. کاربرد ریاضیات؛
۱۸. استفاده از روابط زمان - فضا؛
۱۹. توافق عمومی؛
۲۰. تعریف عملیاتی؛
۲۱. ترکیب کردن.

### بقیه‌ی این مقاله را در شماره‌ی بعد بخوانید.

پی‌نوشت

1. Community of Inquiry
2. Cognitive Acceleration through Science Education (CAST)
۳. از آن‌جا که در زبان انگلیسی کلمه‌ی explore و explorer را معادل کاوش و کاوشگر قرار داده‌ایم، خوب است که کلمه‌ی inquiry را معادل کندوکاو در نظر بگیریم.
4. constructivism
5. Vygotsky
6. reflection
7. Reflective Thinking
8. Scientific Thinking
9. Scientific Method
10. Problem Solving
11. Conceptual understanding

طریق به جمع‌آوری داده‌ها درباره‌ی محیط مادی بپردازند. «سؤال» بخش اصلی کندوکاو علمی است. دانش‌آموزان باید سؤال‌های مرتبط بپرسند و راه‌های پاسخ‌گویی و تعمیم آن‌ها را جست‌وجو کنند. آموزش روش کندوکاو در علوم به معنای افزایش توانایی در هدایت فرایند کندوکاو علمی و درک آن است. در این روش دانش‌آموزان در هر پایه و در همه‌ی بخش‌های علوم، فرصت به‌کارگیری فرایند کندوکاو علمی و رشد مهارت‌های تفکر را پیدا می‌کنند. از جمله‌ی این فعالیت‌ها سؤال کردن، طراحی و هدایت پژوهش، استفاده از ابزارهای مناسب، راهکارهای جمع‌آوری اطلاعات، تفکر نقاد و منطقی درباره‌ی رابطه‌ی میان شواهد و استنباط‌ها یا توضیحات، ساخت و تحلیل تفسیرها یا توضیحات دیگر و برقراری ارتباط درباره‌ی موضوعات علمی است. دانش‌آموزان از طریق فرایند کندوکاو علمی:

- به درک مفهومی<sup>۱۱</sup> از موضوعات علمی دست می‌یابند؛
- چه‌گونه دانستن را در علوم تجربی تجربه می‌کنند؛
- ماهیت علم تجربی را درک می‌کنند؛
- مهارت‌های لازم برای فرایند کندوکاو دنیای مادی را کسب می‌کنند؛
- به استفاده از مهارت‌ها، توانایی‌ها و نگرش‌های علمی علاقه‌مند می‌شوند.

بنابراین در برنامه‌ی درسی علوم، تلاش بر آن است که دانش‌آموزان محتوا را هم‌زمان با فرایند کندوکاو و از طریق درک و به‌کارگیری آن بیاموزند. کندوکاو علمی به دو صورت فردی و گروهی قابل اجراست و با گسترش وسعت علوم و نیاز به توانمندی‌های گوناگون نیاز به کندوکاو علمی گروهی، بیشتر از گذشته نمایان شده است. آن دسته از مهارت‌های تفکر را که بیشتر در ارتباط با کندوکاو علمی هستند به‌عنوان مهارت‌های فرایندی علوم یا فرایندهای علم می‌شناسند. این مهارت‌ها در واقع، ابزار تحقیقات و پژوهش‌های علمی به‌شمار می‌آیند و عبارت‌اند از:

مثال: فرایند کندوکاو علمی (گروهی)	فرایند کندوکاو علمی (فردی)	
<p>گروه، ایده‌ی خود را به شکل سؤال تحقیق درمی‌آورد؛ وقتی فاصله‌ی چراغ‌قوه از شیء تغییر می‌کند، طول سایه چه تغییری می‌کند؟</p> <p>گروه پیش‌بینی می‌کند که، با نزدیک‌تر شدن چراغ‌قوه به یک جسم، سایه‌ی جسم بزرگ‌تر می‌شود. آن‌ها بررسی می‌کنند که چه گونه تحقیق خود را انجام دهند و یک طرح بدهند.</p>	<p>- مسائلی را مطرح کنید که در موقعیت‌های واقعی و مورد نیاز انسان باشد.</p> <p>- مسائلی را بیان کنید که به دنبال طرح ایده‌های موجود، مطرح شود.</p> <p>- برای یک پدیده، مدل یا الگویی بسازید.</p> <p>- متغیرها، موضوع‌ها و روابط میان آن‌ها را مشخص کنید.</p> <p>- مدل یا الگویی را نقادانه تجزیه و تحلیل کنید و پیامدهایش را بررسی کنید</p>	<p><b>بیان مسئله</b></p>
<p>دانش‌آموزان کلاس پنجم در مورد نحوه‌ی تشکیل سایه به کمک اشیای موجود در کلاس، دیوار کلاس و یک چراغ‌قوه به مشاهده و تحقیق می‌پردازند. یلدا پیشنهاد می‌کند که وقتی چراغ‌قوه نزدیک جسم است، سایه بزرگ‌تر می‌شود. معلم گروه یلدا را تشویق می‌کند تا درباره‌ی ایده‌ی یلدا تحقیق کنند.</p>	<p>- پدیده را در دنیای واقعی مشاهده کنید.</p> <p>- پدیده را شرح دهید.</p>	<p><b>مشاهده (کسب اطلاعات با پنج حس)</b></p>
<p>برای آزمایش منصفانه، تصمیم می‌گیرند همه چیز را ثابت نگه دارند؛ یعنی، جسم موردنظر، فاصله‌ی جسم از دیوار، چراغ‌قوه‌ی مشابه و سایر موارد و فقط فاصله‌ی چراغ‌قوه تا جسم را تغییر دهند. گروه فهرستی از ابزارهای موردنیاز خود را از جمله خط‌کش / متر برای اندازه‌گیری طول سایه و فاصله‌ی چراغ‌قوه تا جسم تهیه می‌کند.</p>	<p>- روش‌ها و وسایل مناسبی را برای تحقیق انتخاب کنید:</p> <p>مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه، آزمایش، جست‌وجوی داده‌های موجود، تحلیل ریاضی داده‌ها و...</p> <p>- از وسایل اندازه‌گیری مرسوم و متداول استفاده کنید.</p> <p>- نمونه‌ای را طراحی کرده و متغیرها را کنترل کنید.</p> <p>- مراحل اندازه‌گیری را انجام دهید.</p> <p>- داده‌ها را جمع‌آوری و ثبت کنید.</p>	<p><b>تحقیق</b></p>
<p>معلم طرح دانش‌آموزان را بررسی می‌کند و سپس گروه، تحقیق خود را آغاز می‌کند. آن‌ها طرح خود را اجرا و نتایج را در جدول ثبت می‌کنند. در یک ستون فاصله‌ی چراغ‌قوه تا جسم و در ستون دیگر ارتفاع سایه را می‌نویسند. آن‌ها تصمیم می‌گیرند فاصله‌ی چراغ‌قوه تا جسم را به فواصل پنج سانتی‌متری تغییر دهند یعنی ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰ و... و سپس طول سایه را اندازه بگیرند.</p>	<p>- داده‌ها را بررسی کنید و سپس آن‌ها را شرح دهید.</p> <p>- داده‌ها را تجزیه و تحلیل کنید.</p> <p>- مدل‌ها یا الگوها را با اطلاعات واقعی ارتباط دهید.</p> <p>- روابط میان داده‌ها را تفسیر کنید.</p> <p>- الگو یا مدل خود را براساس شواهد بازنگری کنید.</p>	<p><b>تجزیه و تحلیل</b></p>
<p>گروه از نتایج به‌دست آمده در جدول برای رسم منحنی نمایش طول سایه در مقابل فاصله‌ی چراغ‌قوه از جسم استفاده می‌کنند. آن‌ها از نمودار خود برای جست‌وجوی الگو و اثبات درستی ایده‌ی یلدا استفاده می‌کنند. آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که هرچه چراغ‌قوه به جسم نزدیک‌تر باشد، طول سایه‌ی جسم بلندتر است.</p>	<p>- نتیجه‌گیری کنید.</p>	<p><b>نتیجه‌گیری</b></p>
<p>معلم با گروه درباره‌ی تحقیقشان صحبت می‌کند و می‌پرسد که آیا از نتایج نحوه‌ی کارشان راضی‌اند یا نه. بچه‌ها اذعان می‌کنند که سخت‌ترین بخش، اندازه‌گیری سایه بوده است. آن‌ها فکر می‌کنند که باید اندازه‌گیری را تکرار کنند تا از دقت آن اطمینان حاصل نمایند. هم‌چنین فکر می‌کنند که نگهداشتن چراغ‌قوه به‌صورت ثابت کار سختی است و برای بهبود تحقیق خوب است که آن را روی میز بگذارند. معلم پیشنهاد می‌کند تحقیق خود را بنویسند و ارزیابی نهایی خود را بدان اضافه کنند.</p>	<p>- ایده‌ها را توضیح دهید.</p> <p>- بحث درباره‌ی نتایج را در جهت حمایت از اطلاعات دسته‌بندی کنید.</p> <p>- سؤال‌های جدید را مطرح کنید.</p> <p>- مکتوب کنید.</p>	<p><b>برقراری ارتباط</b></p>



# اصول، چراغ راه است

اصولی که در پژوهش‌های دانش‌آموزی باید مورد توجه قرار گیرد

ابراهیم اصلانی

اشاره

در قسمت‌های پیشین این پژوهش‌ها، مباحثی چون آسیب‌شناسی، مبانی و مهارت‌های پایه مورد توجه قرار گرفت. تلاش بر این بود که ضمن بیان اشتباهات و خطاها، تصویری درست و مبتنی بر روش‌شناسی علمی از پژوهش‌های دانش‌آموزی ارائه شود. این قسمت به بحث در اصول اختصاص دارد یعنی ملاک‌هایی که می‌تواند مبنا قرار گیرد. هر فعالیت مرتبط با پژوهش‌های دانش‌آموزی را می‌توان با اصول محک زد و اگر فعالیتی با یک یا چند اصل سازگار نبوده، باید مورد تجدید نظر قرار گیرد.

## از اصل تا روش

شکوهی (۱۳۸۵) اصول را مبانی عقلانی و مقیاس‌هایی بری از هرگونه نظر شخصی و اعتباری می‌داند. اصول حاکی از هم‌خوانی اندیشه‌ها و توافق صاحب‌نظران و به دور از هرگونه پیش‌داوری است. او تأکید می‌کند که اصول، وضع‌کردنی نیستند بلکه کشف‌کردنی هستند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت:

- اصول، راهنمای عمل هستند؛
- اصول، فقط در رشته یا موضوع مورد نظر کاربرد دارند و قابل تعمیم به دیگر زمینه‌ها نیستند؛
- نمی‌توان گفت در میان مجموعه‌ی اصول، یک اصل بر اصول دیگر برتری دارد یا تنها باید یک اصل، ملاک قرار گیرد.
- درباره‌ی اصول، همه یا بیشتر صاحب‌نظران آن رشته‌ی علمی توافق دارند.

تلاش‌های علمی به یافته‌های متعددی منجر می‌شود. در هر رشته‌ای، پژوهشگران زیادی فعالیت می‌کنند اما ممکن است هر کدام به نتایج متفاوتی برسند. تفاوت در نظریه‌ها هم، ناشی از همین است که نظریه‌پردازان با دیدگاه‌های خاص خود، دنبال پژوهش‌های متفاوتی می‌روند. با وجود این تلاش‌ها و یافته‌های متفاوت، در هر رشته‌ی علمی نکاتی وجود دارد که به اثبات رسیده و مورد تأیید همه است. این نکات، «اصول» نامیده می‌شوند.

اصل<sup>۱</sup> به رابطه‌ی مقرر میان پدیده‌ها یا عوامل گفته می‌شود و امری عینی و واقعی است. اصل، منشاء و مصدر اعمال است. انتخاب روش بر مبنای اصل شکل می‌گیرد. اصل مشخص می‌کند که برای رسیدن به هدف، باید از چه روشی استفاده کنیم (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱).

یادآوری: در جامعه‌ی علمی کشورها، توافق چندان روشنی درباره‌ی مفاهیم و کارکرد واژه‌های علمی دیده نمی‌شود. به همین دلیل، گاهی یک واژه تعابیر متعددی می‌یابد یا برای یک تعریف علمی، از واژه‌های متعددی استفاده می‌شود. به عنوان مثال اگر بخواهید برای درک مفهوم واژه‌هایی چون اصل، قانون و نظریه به کتاب‌های گوناگون مراجعه کنید، شاید سردرگم شوید. بنابراین بهتر است در هر گفتار علمی، ابتدا تکلیف واژه‌ها را روشن سازید و به توافقی هر چند موقتی با مخاطب برسید. در این نوشته هم، منظور از اصل، بیان شد اگرچه ممکن است در منابع دیگر، تعابیر متفاوت باشد.

## نکاتی درباره‌ی اصول پژوهش‌های دانش‌آموزی

- \* همان‌گونه که اشاره شد، تقدم و تأخر در بیان اصول، نشانه‌ی برتری و ارجحیت یکی بر دیگری نیست. همه‌ی اصول مهم هستند و می‌توانند راهنمای عمل قرار گیرند.
- \* ممکن است کسی براساس تجارب و دیدگاه‌های خود، به یک یا چند اصل بیشتر توجه داشته باشد. اگرچه نمی‌توان مانع چنین گرایشی شد، اما توصیه می‌کنیم همه‌ی اصول را مدنظر قرار دهید.
- \* این اصول درباره‌ی یکی از موضوعات تربیتی است؛ بنابراین می‌تواند در موضوعات مشابه هم کاربرد داشته باشد.
- \* هدف از بیان یک اصل، گفتن و به خاطر سپردن نیست. اگر اصول، راهنمای عمل تلقی شوند، هر اقدام مرتبط با پژوهش‌های دانش‌آموزی باید بر این مبنا محک بخورد. اگر فعالیتی با اصول سازگار نبوده، جرأت کنید آن را کنار بگذارید.



سید محمد باقر حسینی - فارس، برگزیده‌ی جشنواره‌ی عکس‌رشد

## مهارت‌های مقابله

هیجان‌های ناشی از موقعیت‌های تنش‌زا، بسیار ناخوشایند است و موجب برانگیختن شخص برای تسکین آن می‌شود. فرایند کوشش شخص برای حل و فصل شرایط تنش‌زا را مقابله می‌نامند و دو صورت دارد: «مسئله‌مدار و هیجان‌مدار». در مقابله‌ی مسئله‌مدار، فرد توجه خود را به موقعیت یا مشکل خاصی که پیش آمده، معطوف کرده و سعی در تغییر یا اجتناب از آن دارد. تدابیری که فرد به کار می‌برد، عبارت‌اند از: تعریف مسئله، یافتن راه‌حل‌های گوناگون، سبک و سنگین کردن راه‌حل‌ها و انتخاب و به‌کار بستن راه‌حل مناسب. در مقابله‌ی هیجان‌مدار، فرد بیشتر در صدد تسکین هیجان‌های ناشی از موقعیت تنش‌زا برمی‌آید. در این روش، فرد خود را با مسئله درگیر نمی‌کند، بلکه بیشتر به‌دنبال راه‌حل‌های فوری (و اگرچه موقعتی) برای آرامش خود است. وقتی فرد خشم خود را بر سر دیگران خالی می‌کند، به‌دنبال استفاده از داروهای مود یا سعی دارد به‌شکل موقتی به مسئله فکر نکند، از تدابیر مقابله‌ی هیجان‌مدار استفاده کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شیوه‌ی مقابله‌ی مسئله‌مدار، هم در جریان موقعیت تنش‌زا و هم پس از سپری شدن آن نتایج بهتری دارد. «اقتباس از اتکینسون و همکاران، ترجمه‌ی براهنی و همکاران (۱۳۸۷) - ص ۷۰۷»

## پژوهش دانش‌آموزی، اقدامی هدفمند و فعال است

گفتیم آنچه باید هدف پژوهش‌های دانش‌آموزی قرار گیرد، استفاده از روش علمی به‌عنوان روشی برای تفکر و حل مسئله است و در این مورد، تعبیر **تفکر پژوهشی** را به کار بردیم. روش علمی روشی نظام‌دار برای اندیشمندان است و براساس این الگو، پژوهش دانش‌آموزی را هم می‌توان تلاشی هدفمند و فعال تلقی کرد.

## منظور از هدفمندی این است:

\* تلاش‌هایی که با نام پژوهش‌های دانش‌آموزی صورت می‌گیرد، لزوماً برای ارائه‌ی یک محصول یا پدیده‌ی جدید نیست. نباید هدف این باشد که دانش‌آموزی نوشته‌های بیابرد، وسیله‌های بسازد و چیزی اختراع کند؛ هدف عمده آموزش روش اندیشیدن است.

\* یک وجه دیگر هدفمندی، نظم در اندیشه و عمل است. از تفکر پژوهشی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند با مسئله، چگونه روبه‌رو شوند و چه مرحله‌ای را به کار بندند. \* تفکر پژوهشی با جریان زندگی و هدفمندی در برخورد با مسائل و مشکلات نیز، ارتباط پیدا می‌کند. در فضای فرهنگی جامعه‌ی ما که عمدتاً هیجان‌مدار است، درگیر ساختن دانش‌آموزان با تفکر پژوهشی، می‌تواند آنان را با روش مقابله‌ی مسئله‌مدار آشنا سازد. هدفمندی در پژوهش‌های دانش‌آموزی، جریانی فعال را هم به‌وجود می‌آورد. دانش‌آموز در این جریان، نقشی مستقیم و پویا دارد و فقط نظاره‌گر یا منفعل نیست. اگر دیدید در فعالیت‌های پژوهشی دانش‌آموزی، نقش معلمان و مربیان یا والدین، پررنگ‌تر است و دانش‌آموز فقط خواسته و ناخواسته به‌دنبال شما کشیده می‌شود، این مسیر درست نیست و باید اصلاح شود.

## پژوهش دانش‌آموزی مبتنی بر نیازها و علایق دانش‌آموزان است

اگر از نظریه‌های متعددی که درباره‌ی نیازها و انگیزه‌ها وجود دارد، صرف‌نظر کنیم، امروزه به فعالیت یادگیرندگان در فرایند یادگیری بسیار تأکید می‌شود و این موضوع اهمیت یافته است که آموزش و یادگیری باید هر چه بیشتر با نیازها و علایق دانش‌آموزان سازگار باشد. دیدگاهی که بیش از بقیه معرف لزوم فعال بودن یادگیرنده در یادگیری است، رویکرد سازنده‌گرایی نامیده می‌شود. طبق این رویکرد، افراد بیشتر آنچه را که خود می‌سازند و می‌فهمند، یاد می‌گیرند. سازنده‌گرایی به این اندیشه استوار است که یادگیرندگان دانش خود را از تجربه‌های‌شان به دست می‌آورند (سیف، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های دانش‌آموزی بهترین موقعیت را برای سازگار ساختن آموزش‌های مدرسه‌ای با نیازها و علایق دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. هر فعالیتی که خارج از این جریان عمل کند، نباید به نام پژوهش دانش‌آموزی معرفی شود. طبق این اصل می‌توان:

- دانش و تجارب دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری بیشتر مورد استفاده قرار داد؛

- برای غنی‌تر شدن تجارب دانش‌آموزان، آنان را به انجام دادن انواع فعالیت‌ها ترغیب کرد؛  
- با استفاده از فعالیت‌های پژوهشی گروهی و پروژه‌ای، جاذبه‌های بیشتری برای آموزش و یادگیری فراهم ساخت؛  
- سوژه‌ها و موضوعات پژوهشی را یک‌طرفه ارائه نکرد و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان را نیز مورد توجه قرار داد؛  
- استفاده‌های نمایشی و کلیشه‌ای از پژوهش را که نتیجه‌ی آن صرفاً رفع تکلیف به‌وسیله‌ی دانش‌آموزان است، کنار گذاشت.

## پژوهش دانش‌آموزی به همه‌ی ابعاد رشد و آموزش توجه دارد

یکی از ابرادهایی که به نظام آموزشی فعلی وارد می‌شود، تک‌بعدی بودن آن یا توجه بیشتر به جنبه‌ی شناختی است. اگر چنین اتفاقی در مورد پژوهش‌های دانش‌آموزی هم روی بدهد، در واقع نه تنها کار مثبتی نکرده‌ایم بلکه یک امکان آموزشی چندبعدی را از دست داده‌ایم. زمانی می‌توان گفت پژوهش‌های دانش‌آموزی به مفهوم واقعی خود نزدیک شده است که زمینه‌های اندیشیدن در همه‌ی ابعاد را تقویت کند. پژوهش‌هایی که با هدف صرف دانش‌افزایی یا گردآوری مطالب انجام می‌گیرد، به نتایجی سطحی و نمایشی می‌انجامد. باید به کارکردهای گوناگون پژوهش‌های دانش‌آموزی توجه داشت و از امکانات آن در ابعاد شناختی، جسمانی، عاطفی، اجتماعی و حتی اخلاقی و معنوی سود جست. تفکر پژوهشی به‌عنوان ابزاری برای اندیشیدن نظام‌دار و منسجم، می‌تواند اندیشه‌های دانش‌آموزان را در زمینه‌های گوناگون زندگی به چالش بکشد و فقط به مسائل علمی محدود نشود.

نگاه منطقی و جامع به پژوهش‌های دانش‌آموزی، امکانی برای مدارس فراهم می‌آورد تا دانش‌آموزان را با روشی هدفمند، فعال و مبتنی بر علایق و نیازها به‌سوی مسائلی در ابعاد گوناگون خود و زندگی‌شان بکشاند.

### پی‌نوشت

1. Principle
2. Constructivism

### منابع

۱. اتکینسون، ریتا ال و همکاران (۱۳۸۷). زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد. مترجم: محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: رشد (انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۰ م).
۲. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
۳. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). فلسفه‌ی جدید تربیت. تهران: اطلاعات.
۴. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی. تهران: اطلاعات.
۵. شکوهی، غلام‌حسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: به‌نشر.

## ما هستیم، چون شما هستید و مجله‌ی خودتان را می‌خوانید

اشاره

در صفحه‌ی با همراهان، با مخاطبان مجله همراه می‌شویم. در این شماره نیز به پاره‌ای از نامه‌ها و نوشته‌هایی که از طریق پست یا به روش‌های دیگر از خوانندگان دریافت داشته‌ایم، اشاره‌هایی کرده و چند نکته‌ی دیگر را نیز یادآور شده‌ایم. راه‌های تماس با مجله را می‌توانید در صفحه‌ی شناسنامه‌ی مجله ببینید.

### قابل توجه خوانندگان محترم مجله

بسیاری از مطالبی که به دستمان می‌رسد، از لحاظ نگارشی و ویرایشی مشکلات متعددی دارند. یکی از دلایل کنار گذاشته شدن این قبیل نوشته‌ها، ایرادهای فراوان نوشتاری موجود در آن‌هاست. از این‌رو نوشته‌هایی که در مجله به چاپ می‌رسند، حتماً از لحاظ درست‌نویسی و رعایت اصول نگارشی، علایم سجاوندی و ساختار جملات، به‌وسیله‌ی ویراستار مجله و ناظران ویراستاری مجلات به سامان می‌شوند. از دوستانی که مطالب آن‌ها چاپ می‌شود و نیز کسانی که قصد دارند برای مجله مطلبی ارسال کنند، درخواست می‌کنیم حتماً مطالب مجله را با «نگاه ویرایشی» مورد بازبینی قرار دهند. بی‌شک ملاحظه‌ی مطالب مجله از این نگاه، اصولی را فراوی خوانندگان محترم قرار خواهد داد تا درست‌تر بنویسند.

### بهبانهای برای سپاس

امسال به‌دلیل کسالتی که دارم، مجبور شده‌ام در مرخصی باشم. ابتدا برای دخترم خیلی سخت بود که بدون من به مدرسه برود. سخت‌تر این که هر روز که از مدرسه می‌آمد، می‌پرسید: «مامانی، شما فقط امسال به مدرسه نمی‌آیی یا تا همیشه دیگه معلم نیستی؟» گاهی هم با نگرانی می‌پرسید: «نکنه چون شما امسال به مدرسه نمی‌آیی، دیگه فراموش بشی و اجازه ندهند که به مدرسه بیایی، تا این که یک روز از مدرسه برآیم پکتی آورد که در آن یک جلد مجله‌ی رشد ابتدایی و یک جلد کتاب بود. همراه او پکت را باز کردم. خاطره‌ای از من و با نام من در مجله چاپ شده بود. دخترم وقتی نام و نام‌خانوادگی مرا در مجله خواند، خیلی خوش‌حال شد؛ چون می‌دید که به قول خودمان رشدی‌ها مرا فراموش نکرده‌اند و من هنوز هم به‌عنوان یک معلم در ردیف جامعه‌ی فرهنگی هستم. این خاطره را نوشتم تا بهانه‌ای باشد برای تشکر و قدردانی از زحمات شما بزرگواران.

لیلا بزرگمهر، دبستان پنجم آذر رامشیر

دزفول)، طیبه مرادی فریسا (آموزگار دبستان نمونه دولتی فروغ)، مهدی سرچاهی (سرگروه آموزشی استان خراسان جنوبی و آموزگار دبستان امام حسین(ع)، بیرجند)، کلثوم شرفی اردکانی (آموزگار دبستان ابوالفضل العباس، ناحیه‌ی یک شیراز)، سیده محبوبه مهدوی (آموزگار دبستان المهدی، سپاهان شهر اصفهان)، سیده زهرا هاشمی زاده (کارشناس مشاوره و مربی بهداشت، ملارد)، زهرا کریمی ملک‌آبادی (آموزگار دبستان حاج نصرت‌اله فتحی، باغبادران اصفهان)، مهین راشدی شهری (آموزگار دبستان مشکینی، شهرک اوآن اسلام‌شهر) زهره نعمتی (آموزگار دبستان حاج فاطمی، ناحیه‌ی یک قم).

### پاسخ به برخی از نامه‌ها و نوشته‌ها

سیدرضا تولایی زاده، تهران و حسینعلی کریمی نسب، مراوه‌تپه: مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، شعر کودک منتشر نمی‌کند. اشعار خود را در اختیار مجلات دانش‌آموزی رشد قرار دهید.

حیدر کردی، آموزگار دبستان شهید کردیان تکیه، باغ ملک خوزستان: نقد و بررسی شما در مورد فارسی ششم دبستان را به گروه برنامه‌ریزی درسی ادبیات فارسی ارسال کردیم. موفق باشید

\*\*\*

### یک پیشنهاد

خانم سرور احمدی چگنی، آموزگار پایه‌ی اول دبستان سیزده‌آبان بروجرد، در نامه‌ی خود نوشته‌اند: «باتوجه به اهمیت درس قرآن و تأکید بر این که حتماً باید بچه‌ها با وضو به کلمات و عبارات قرآنی دست بزنند، برای حفظ حرمت و شأن کتاب مقدسمان، پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان در زنگ قرآن از طلق رنگی یا بی‌رنگ استفاده کنند تا اگر وضو نداشتند، به‌راحتی بتوانند با قرآن کار کنند و از دست کشیدن مستقیم روی عبارات و کلمات خودداری شود.»

مقاله‌ها و نوشته‌های دوستانی که نام آن‌ها در پی می‌آید، دریافت شد. به‌دلیل بالا بودن تعداد آثار رسیده و محدودیت صفحات مجله، متأسفانه چاپ همه‌ی آن‌ها در رشد آموزش ابتدایی میسر نیست. منتظر آثار دیگر این همراهان هستیم.

فاطمه بهرامی (کارشناس ارشد فیزیولوژی و تغذیه‌ی ورزشی و آموزگار دبستان قیام، ناحیه‌ی سه اصفهان)، سیده شهناز سیدمحمودی (آموزگار، کرمانشاه)، لیلا بزرگمهر (دبستان پنجم آذر، رامشیر خوزستان)، مجید موسوی نژاد (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، مشهد)، عزت سلیمانی (آموزگار دبستان امام رضا(ع)، ماه‌شهر)، محمود هاشمی شهرکی (آموزگار دبستان شاهد، شهرکرد)، نسرين راوند (آموزشیار نهضت سوادآموزی، مریوان)، سیده شهربانو حسینی مقدم (کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و آموزگار پایه‌ی ششم، مجتمع امام سجاده(ع) گل‌محله، محمودآباد مازندران)، زهرا خضری (خاش)، لیلا کلاتری (آموزگار کودکان استثنایی و دانشجوی کارشناسی، ایهر)، سعید عبداللہی پیر بداغ (رباط‌کریم)، بهمن جبرائیلی و علی کاظمی تازه‌کندی (کارشناس آموزش ابتدایی، ناحیه‌ی دو ارومیه)، غلامحسین ظفری (دبیر، ناحیه‌ی یک آموزش و پرورش اهواز)، روح‌اله خانی (سرگروه آموزشی منطقه‌ی بزینیه‌ی رود، زنجان) فرحناز پورشهریاری (آموزگار دبستان دخترانه هانیه، اندیشه شهریار)، مریم‌سادات سیدشریفی کاخکی (فوق‌لیسانس آموزش ابتدایی، رشتخوار خراسان رضوی)، فاطمه محمدی (کارشناس ریاضی و آموزگار دبستان پویندگان، منطقه‌ی دو تهران)، زهرا شریفی (آموزگار دبستان شهید میکائیلیان)، بهنوش بحرانی (آموزگار دبستان مهدیه، داراب)، معراج رحمتی (آموزگار پایه‌ی پنجم، دبستان استثنایی مهر ساری)، اعظم فرازنده‌نیا (آموزگار دبستان حضرت رقیه، ناحیه‌ی یک زنجان)، فرخ شریفی پور (کارشناس آموزش ابتدایی و مدیر مدرسه، سردشت

با برخی از وب‌نویسندگان فعال آشنا شویم.